گرامی باد ۳۰ تیر
سالروز قیام قهرمانانه
توده‌ها

کار

سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سال دوم شماره ۶۸ | سازمان چریکهای فدائی خلق ایران | ۱۲ صفحه ـ قیمت ۲۰ ریال

ماهیت ضدخلقی ارتش با تعویض فرماندهان تغییر نمیکند

چندیست که از اعلام کشف و سرکوب شبکهٔ کودتاگران در ارتش می‌گذرد، اما بحث پیرامون مسائل مربوط به آن در بین توده‌ها، هنوز عمده‌ترین موضوع سیاسی روز است.

این مطلب که توطئه فوق توسط نیروهای متعلق به ارتجاعی‌ترین محافل سرمایه‌داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم سازماندهی شده بود، کمتر جای سخن ماند است. آنچه که امروز بیشتر مورد بحث و بررسی قرار میگیرد، اختلافات دو جناح اصلی هیات حاکمه یعنی لیبرالها و سران حزب جمهوری اسلامی بویژه در مورد تجدید سازمان ارتش و سیاست و موضع گیریهای آنها در رابطه با طرح کودتای اخیر است.

در اکثر تجمعات توده‌ای، مردم عمدتا "به تفسیر و مباحثه در مورد سخنان بنی صدر که اقدامات سران حزب جمهوری اسلامی را زمینه‌سازکودتا دانسته و نیز، به تجزیه و تحلیل علل تبلیغات گسترده و اقدامات حزب جمهوری اسلامی، علیه بنی صدر و لیبرالها، می پردازند. تشدید تضاد بین جناحهای هیات حاکمه در شرایط بحرانی کنونی، ماهیت آنها را بیش از پیش عیان میسازد. توده‌های مردم، کارگران و زحمتکشان در هر حادثه و در سیر تجربهٔ زندگی و مبارزات روزمره‌شان به آگاهی سیاسی و طبقاتی خود میافزایند. توده‌ها در این جریان و با فعالیت انقلابی نیروهای آگاه و پیشرو قدم به قدم در می یابند که علیرغم تبلیغات سطحی و ظاهری حاکمیت مبنی بر یکپارچگی و "میثاق وحدت" دو جناح اصلی، هیات حاکمه در بحران عمیقی فرو رفته‌اند.

بقیه در صفحه ۲

درسهائی که باید از قیام سی تیر آموخت

سی تیر یادآور روز پیروزی شکوهمندی است که توده‌های قهرمان میهنمان پرشور و حماسه بکف به خیابانها ریختند و نقطه عطفی در مبارزات ضد امپریالیستی آن سالها پدید آوردند.

قیام سی ام تیر ماه ۱۳۳۱ که بدنبال استعفای دکتر محمد مصدق از پست نخست وزیری به وقوع پیوست، بیانگر اراده آهنین و خلل ناپذیر توده‌های میهن ما در مبارزه بخاطر رهائی از سلطهٔ امپریالیسم و رژیم منفور سلطنتی بود.

دکتر محمد مصدق که پس از ملی شدن نفت به نخست وزیری رسیده بود، بعد از بازگشت از دادگاه لاهه بر سر تعیین وزیر جنگ با شاه اختلاف آشکاری پیدا کرد. انتخاب وزیر جنگ و فرماندهان شهربانی و ژاندارمری برخلاف قانون اساسی در اختیار شاه قرار گرفته بود. این امر که موجب تقویت موضع دربار میشد، مورد اعتراض وی قرار گرفت. مصدق میخواست با بهره گیری از افکار عمومی که پس از دادگاه لاهه بشدت علیه امپریالیسم انگلستان و عوامل داخلی اش بسیج شده بود، پست وزارت جنگ را مثل دیگر پست ها در اختیار خود بگیرد. او میخواست که اختیارات غیر قانونی شاه در این زمینه سلب شود و این اختیارات توسط مجلس به نخست وزیر سپرده شود. بهمین دلیل در ۲۴ تیر ماه مصدق

بقیه در صفحه ۸

"شورای اسلامی کارکنان پخش "حکم خلع معین فر وزیر نفت را صادر کرد

صفحه ۱۱

مسئله کردستان و موضع ما (۲)
سیاست "اکثریت کمیته مرکزی" اعتماد به هیئت حاکمه بی اعتقادی به توده‌هاست

در صفحه ۵

در این شماره:

اخبار کارگری در صفحه ۳

زنان زحمتکش می‌گویند: طرح جدید دولت برای گوشت بنفع پولدارهاست — در صفحه ۹

کارشناسان وزارت بازرگانی چه سیاستی را پیش می‌بردند — در صفحه ۲

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۵) — در صفحه ۱۰

حجت الاسلام رفسنجانی گفت: سازاکی ها باید آسایش و رفاه داشته باشند — در صفحه ۱۲

"کمیته مرکزی" باز هم به شیوه های نا رفیقانه و فرصت طلبانه متوسل شد

"مستشار دیوانعالی کشور" شاهنشاهی از مقامات عالی جمهوری اسلامی! — در صفحه ۱۲

اعلام پشتیبانی بخشی از دانش آموزان پیشگام — در صفحه ۲

اعلام نظر بخشی از کارگران پیشرو پروژه‌ای آبادان پیرامون تحولات اخیر در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران — در صفحه ۱۰

"میثاق وحدت" نمایندگان مجلس علیه نیروهای انقلابی است

پس از آنکه بخشهائی از نوار آیت برای بار دوم در عمل پیاده شد، حزب جمهوری اسلامی از موضع تهاجمی خود بموضع دفاعی درمقابل رقیبش در مجلس دست زد. قبل از این هم دو جناح اصلی هیئت حاکمه، طی نشست هائی که در شورای انقلاب داشتند و به توصیه آیت الله خمینی بر اختلافات خود موقتا سرپوش گذاشتند و "میثاق وحدت" بسته شد. گردانندگان جمهوری اسلامی صلاح "نمیدانستند که از همه مسائل با خبر بشوند، بنابراین رئوس مطالب "میثاق وحدت" منتشر شد و در مجلس شورای اسلامی نیز که هنوز آماده قانون

بقیه در صفحه ۱۱

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۸۶ ـ صفحه ۲

ماهیت ضد خلقی...

بقیه از صفحه ۱

اینبار نیز علیرغم کوششهای خود برای عادی جلوه دادن اوضاع، برسر هر مسئله مهم سیاسی نشان میدهند که:

اولا "اختلافات بین آنها بسیار عمیق و گسترده و بهمان میزان امکان حل و یا حتی تخفیف آن با توسل به شیوه‌های آشتی جویانه، دستکم در آینده‌ای نزدیک فراهم نیست و ثانیا" ماهیت این اختلافات و کشمکش ها چیزی جز کسب قدرت برتر جهت ادارهٔ امور و رهبری سیستم موجود نیست.

ویژگی شرایط حاضر، رشد آگاهی سیاسی توده‌ها، کاهش پایگاه توده‌ای حکومت و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی ـ دموکراتیک خلقهای ایران است. از اینرو، هیچ جناحی در حاکمیت، قادر به پیشبرد سیاست خویش نیست، مگر آنکه خود را بطور تام و تمام در خط مبارزهٔ ضد امپریالیستی قلمداد کند.

جناح رئیس جمهور ازیکسو و سران حزب جمهوری اسلامی از سوی دیگر، اینک در کلیه مسائل و موضوعات مهم و از جمله در جریان کشف طرح کودتای اخیر، یکی سیاست دیگری را در خط حفظ و تحکیم سلطهٔ امپریالیزم میدانند.

اما توده‌ها تدریجا" و در تجربیات مبارزاتی خود در می‌یابند که جریانهای سیاسی را اصولا" نه از روی حرفها و ادعاهائی که در مورد خود دارند بلکه از طریق عملکرد آنان مورد قضاوت قرار دهند.

بی تردید حقیقت آنستکه این دو جناح، در اصل بازسازی و ترمیم سیستم کهنهٔ سرمایه‌داری وابسته ایران، بقیمت فقر، فلاکت زندگی میلیونها کارگر و زحمتکش میهنمان، اشتراک عمل داشته‌اند.

روش آنان از ابتدای استقرار حکومت جمهوری اسلامی در قبال ارتش نیز چنین بوده است.

هم اکنون سیاست بازسازی ارتش ضد خلقی و وابسته بمتابهٔ حلقه‌ای از زنجیرهٔ سیاستهای عمومی آنان در حفظ و تحکیم سیستم سرمایه‌داری وابسته و دستگاه کهنه دولتی، تحت عنوان مبارزهٔ ضد امپریالیستی صورت می‌گیرد! فی المثل نگاهی به روش و سیاستهای متفاوت این دو جناح در جریان کشف شبکهٔ کودتا بسیار آموزنده است.

هیات حاکمه کشف و سرکوب توطئه‌گران کودتای نظامی را دلیلی بر ماهیت و عملکرد انقلابی ارتش میداند و همچنان به تبلیغات عوامفریبانه خود ادامه میدهد. درحالیکه درست در جریان محاکمه آنها، برخی فرماندهان ـ از همان قماش ـ را در ردههای بالای ارتش بکار گمارده و به اخراج و دستگیری پرسنل انقلابی می‌پردازد. ماهیت ضد انقلابی و بورژوائی هر دو جناح، ریشهٔ اصلی سیاست عمومی بازسازی ارتش ضد خلقی از یکسو و سرکوب نیروهای مبارز و پرسنل انقلابی از سوی دیگر، را توضیح میدهد.

مخالفت این دو جناح با یکدیگر نه بر سر حفظ و یا نابودی سیستم کنونی ارتش بلکه در آنستکه هریک از دو جناح خواستار ابقاء فرماندهان وابسته به خود در پستهای مهم نظامی هستند. محتوای اصلی و مشترک سیاست هر دو جناح هیات حاکمه بیش از آنکه سرکوب و اخراج محافل مزدور امپریالیسم باشد متوجه سرکوب و اخراج پرسنل انقلابی ارتش است. محاکمه و اعدام کودتاگران نمی‌تواند به تغییری اساسی در ارتش منتهی شود. و همچنین احتمال وقوع کودتای آینده را منتفی نمی‌سازد، زیرا در ماهیت طبقاتی و عملکرد ارتش، و در نتیجه در روابط و شکل خاص سازمانی آن تغییری ایجاد نمی‌کند. تا وقتیکه تنها به رفرمها و اصلاحات جزئی در ارتش اکتفا شود، نه تنها ماهیت ضد انقلابی آن حفظ می‌گردد بلکه همچنان بمثابهٔ مناسبترین ارگان دولتی در شکل‌گیری و رشد شبکه‌های کودتا برای بروی کار آوردن ارتجاعی ترین نوع حکومت، باقی خواهد ماند. اینک تیمسار ظهیرنژاد، این جلاد خلق کرد، فرمانده نیروی زمینی و سرپرست ژاندارمری است. آیا افرادی نظیر ظهیرنژاد، می‌توانند ماهیتا" تفاوتی با علوی‌ها، محققی‌ها و مهدیون‌ها داشته باشند؟ آیا می‌توان بدون وجود آنها، به سرکوب پرسنل انقلابی که در راه تشکیل شوراهای خود یعنی شوراهای سربازان، درجه‌داران و افسران جزء و انقلابی مبارزه می‌کنند، دست زد؟ مسلما" پاسخ منفی است. بی جهت نیست که رئیس جمهور با تمام قدرت از سران ضد انقلابی و رسوای ارتش دفاع می‌کند. اقدام سران حزب جمهوری اسلامی در سرکوب و دستگیری نمایندگان پرسنل انقلابی نمی‌تواند جدا از عملکرد این حزب در سایر شئون سیاسی، اقتصادی جامعه باشد. آنها بنا به ماهیت ضد انقلابی خود پرسنل انقلابی را که از سرکوب خلق اجتناب می‌ورزند محاکمه و تیرباران می‌کنند و با ندای "فالانژ" را در ارتش جهت شناسائی و دستگیری پرسنل انقلابی سازماندهی می‌کنند.

آری هیچکدام از دو جناح بر پشتیبانی آگاهانه توده‌ها تکیه ندارند. آنها سعی در پوشیده داشتن حقایق از انظار توده‌ها دارند. بنی صدر براحتی از کشف هفت طرح کودتا سخن می‌گوید و خود را قهرمان کشف کودتا معرفی می‌کند اما حتی یک کلام در مورد جزئیات آنها بمردم نمی‌گوید.

وابستگان به حزب جمهوری اسلامی محاکمه توطئه‌گران را بر عهده می‌گیرند اما با جلوگیری از علنی شدن دادگاهها هر اس خود را از آگاهی مردم نشان میدهند.

سپس تیمسار ظهیرنژاد در پرده ظاهر میگردد و با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم می‌گوید: "ارتشی بسازید اسلامی، ملت این ارتش را در قلب خود جای داده و جای خواهد داد." او پس از حفظ ارتش از توطئه‌های "چپ" و "راست" و "هرگونه آلودگی‌ها"! سخن گفت و ارتش را ماهیتا "ارتشی مردمی و ضد امپریالیست معرفی نمود. اما آیا چهره واقعی ارتش می‌تواند با این سخنان بدون محتوا همواره پنهان بماند؟

در چنین شرایطی، وظیفه همه نیروهای انقلابی و بویژه پرسنل انقلابی ارتش است که به فعالیت و افشاگری خود نسبت به سران و فرماندهان ارتش و سیاست هیات حاکمه در زمینهٔ بازسازی ارتش ضد خلقی شدت بیشتری بخشیده و به هر شد آگاهی توده‌های زحمتکش و سربازان و درجه‌داران و افسران جزء یاری رسانند. باید آنان را به حقوق دموکراتیک شان آگاه نمود و با تشکل و بسیج آنها، در جهت تحقق بخشیدن به آرمان طبقه کارگر مبارزه نمود.

کارشناسان وزارت بازرگانی چه سیاستی را پیش می برند

درجرگه کسانیکه مدعی مارکسیسم ـ لنینیسم هستند اکنون دیگر این امر پذیرفته شده که دولت قاعدتا "ابزار سلطه طبقاتی یک طبقه علیه طبقات دیگر است و بنابراین دولت در جهت پاسداری از منافع طبقه حاکم و مسلط عمل نموده و آن بخش از اقتصاد که در مالکیت دولت است در خدمت منافع طبقه حاکم و مسلط قرار می‌گیرد. در جامعه ما نیز ما دامیکه مناسبات مسلط را مناسبات سرمایه‌داری تشکیل میدهد و ما دامیکه قدرت دولتی عملا در دست بورژوازی است، بخش دولتی نه در خدمت زحمتکشان، نه دارای سمت‌گیریهای سوسیالیستی بلکه در خدمت بورژوازی و ترمیم و بازسازی مناسبات موجود است.

ما در مقاله "حزب توده و بخش دولتی اقتصاد" در کار ۶۴ به مساله بخش دولتی اقتصاد و نظر اپورتونیستها پرداختیم. یکی از موارد که معمولا" مدرکی برای خلقی بودن این حاکمیت عنوان میشود ماده ۴۴ قانون اساسی و ماده مربوط به بازرگانی خارجی است که گویا دولت جمهوری اسلامی طبق این ماده درصدد ملی ۱۱ کردن بازرگانی خارجی است صرفنظر از اینکه دولتی شدن بازرگانی خارجی مساله‌ای را در مورد ماهیت حاکمیت کنونی تغییر نمی‌دهد ولی ببینیم که سیاست وزارت بازرگانی برچه اساسی استوار است.

اکنون که ۱۷ ماه از قیام بهمن ۵۷ میگذرد سیاست حاکم بر بازرگانی خارجی ایران ادامه سیاست قبلی مبنی بر تشویق واردکنندگان بخش خصوصی، اعطاء امتیازات به واردکنندگان کالاهای سرمایه‌داری و گسترش عملکرد بخش خصوصی است. وزارت بازرگانی با اعمال سیاستهای بورژوائی "عملا" در جهت بازسازی و ترمیم سرمایه‌داری وابسته ضربه خورده اقدام می‌کند و حتی دولتی شدن بازرگانی خارجی را تاکنون عملی ندانسته و گردانندگان این وزارتخانه معتقدند که سیاست ملی ۱۱ کردن تدریجی را پیش می‌برند. یکی از کارشناسان این وزارتخانه در مقاله‌ایکه در روزنامه کیهان بتاریخ ۵۹/۴/۸ نوشته (نقطه نظر این کارشناس در خطوط کلی اش همان نظر آقای صدر وزیر بازرگانی است) سیاست بازرگانی خارجی ایران را روشن میسازد. این کارشناس مطرح می‌کند که وزارت بازرگانی اقدام به ایجاد یک سلسله "مراکز تهیه و توزیع" "با شخصیت حقوقی مستقل" مینماید و این مراکز را سا "کالا وارد می‌کنند و پس از توزیع، در بین فروشندگان، این فروشندگان کالاها را با "سود عادلانه ۱۱" به توزیع کنندگان جزء میرسانند. وحتی قدرت این مراکز بحدی است که "شرکت‌ها و سازمانهای دولتی" تابع این مراکز میباشند و طبیعی است سیاست اعمال شده در این مراکز از یک طرف تابع سیاستهای کلی اقتصادی دولت و از طرف دیگر تابع منافع گردانندگان این مراکز است و هریک دیگری را تکمیل می‌کند. ترکیب هیئت مدیره این مراکز عبارتند از نماینده وزارت بازرگانی، نماینده کمیته صنفی امام و چهار نفر از بازرگانان بصیر. این افراد بصیر که دارای "تخصص و آگاهی" اند مشکل بازرگانی ایران را حل خواهند کرد و طبیعی است همانطور که دست پخت خبرگان در مجلس تدوین قانون اساسی، یک قانون ماهیتا بورژوائی از کار درآمد، سیاستهای این افراد "بصیر و آگاه" (آشنا در مناسبات سرمایه‌داری بین‌المللی)، متخصص (در مناسبات سرمایه‌داری) چیزی جز تدوین سیاست‌های سرمایه‌داری در حوزه توزیع نخواهد بود.

از اینروست که کارشناس وزارت بازرگانی معتقد است که در این طرح "اصل رقابت در عرضه کالا از میان نخواهد رفت" و برکسی پوشیده نیست که رقابت یکی از قوانین مهم سرمایه‌داریست که بویژه سرمایه‌داری وابسته متوسط ایران در مقابل انحصارات بزرگ

بقیه در صفحه ۸

اعلام پشتیبانی
بخشی از دانش آموزان پیشگام از جناح انقلابی سازمان (اقلیت)

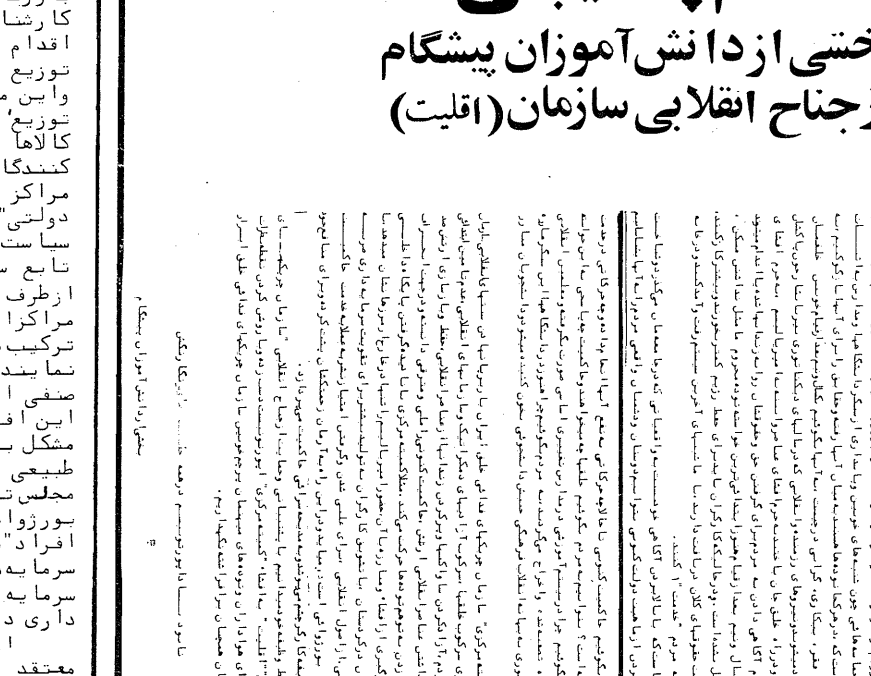

استقلال ـ کار ـ مسکن ـ آزادی

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۸ ـ صفحه ۳

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

اصفهان ـ شرکت عمران شاهین شهراین شرکت در حومه اصفهان قرارگرفته واداره آن پس از قیام دردست بنیاد مستضعفین قرارگرفت. شورای کارگران شرکت عمران شاهین شهر پس ازسه ماه تلاش وعنوان کردن خواسته های کارگران ونشنیدن پاسخ ازسوی مسئولین وشورای اداره‌کننده‌کارگاهها سرانجام در روز ۲۷ خردادبه مسئولین شرکت مراجعه کرده وبه آنها تاساعت ۴ بعدازظهر مهلت‌میدهندتابرای‌رسیدگی به خواستهایشان به کارگاه‌بیایندولی تاساعت ۴از مسئولین خبری نمی‌شود کارگران مبارزفردای آنروز بنابه‌تصمیم‌قبلی دست ازکار میکشند.نزدیک ظهر مسئول کارگاه می‌آید و می‌بیندکه هیچکس کارنمی‌کند. سروصداراه می‌اندازد ولی

قاطعیت کارگری پیروزی را به‌ارمغان می‌آورد

چون بامقاومت کارگران روبرومی‌شودبه شورای اداره‌کننده کارگاهها اطلاع میدهدوبه کارگران میگویدکه ازشمابه‌شورای انقلاب شکایت خواهدشد.

مسئولین نیزبزودی سرمیرسندوکارگران راجمع کرده‌و شروع به فحاشی می‌کنندوبه کارگران میگویند برگردید سرکارتان ،برای ماخیلی راحت است که‌همین الان شما را بیرون بیاندازیم ویکعده دیگر را بیاوریم برایمان کارکنند.

کارگران باقاطعیت مقابل آنهامی‌ایستندومیگویندماقبلا کسانی راکه طرف کارگران نبودندوبه حرف کارگران گوش نمی‌کردندبیرون کرده‌ایم شماراهم‌میتوانیم بیرون کنیم.

بالاخره‌باتهدیدکارگران به ادامه اعتصاب وفلج‌شدن کار کارگاهها ،با ۲۰٪ اضافه حقوق کارگران موافقت می‌شود و می‌پذیرندکه به دیگر خواستهای کارگران نیز رسیدگی‌شود.

کارگران مبارز شاهین شهربااتحادویکپارچگی وقاطعیت‌در مبارزه، به بخشی از خواستهای صنفی خود رسیدند.

درکارخانه"هوخست" مدیر آلمانی رفت اما مدیردولتی برنارضایتی کارگران افزوده است

بعدازیکسال واندی تلاش کارگران ، مدیر خارجی،کارخانه اخراج ودکتر نیرومند(استاد دانشگاه ملی)بعنوان مدیر دولتی وایرانی کارخانه برمسنداونشست کارگران این کارخانه که ۱۶ ماه پس ازقیام حضورآشکارنمایندگان انحصارات امپریالیستی را درکارخانه خودتحمل کرده بودند،تصورمیکردند که بارفتن اوبخواسته هایشان توجه می‌شود،اما مدیر دولتی جدیددرهان برخوردهای اول خیال کارگران راازاین‌بابت راحت کرد.جلسه ایکه در تاریخ ۴/۲۱ با حضور کارکنان شرکت تشکیل شده بود،مدیر دولتی با جوابهای مشخصی درمقابل سئوالات کارکنان قصد داشت حتی‌الامکان انتظار آنها راازاقدامات مدیریت جدید و دستگاههای دولتی از بین ببرد. مثلا" او می‌گفت "این شرکت هنوز دولتی نشده میخواهیم که دولتی بشود ویا درجواب به‌این سئوال که "تقسیم‌هفتاد هزارتومان طلب اضافه حقوق کارگران چه‌شد؟" مدیر دولتی می‌گفت "ماالان مسائل مهمتری داریم ،این شرکت بدهی زیادی دارد"واز این حرفها ....

مدیر دولتی ضمن اینکه‌تمام مسائل رفاهی وخواستهای بحق کارگران رامعلق‌میگذاشت یاجواب رد به آنها می‌داد، بطورمداوم‌تاکید می‌کرد که "مابایدهرچه بیشتر تولید بکنیم‌و خودکفا بشویم ،این کارخانه دیگرمال‌ماست حتی خراشی نباید بر دیوارهایش بیافتد..

بعدازاین جلسه‌کارگران بادلسردی میگفتند"حالا دیگر صحبت ازحق مان بکنیم میگویندکارخانه مال خودتان است این حرفها رانبایدبزنید".

کارگران زحمتکش کارخانه هوخست وتمام کارگرانیکه‌وضعیتی شبیه به‌آنها دارندباید بدانند که :

۱ـ برخلاف تبلیغات دولت ودنباله‌روانش نظیر حزب توده که خدمتگزاربورژوازی و خائن به‌طبقه کارگر است ، با دولتی کردن کارخانه کارگران از قیداستثماررها نمیشوند. اخراج مدیر امپریالیستی اولین گامی بود که برداشته شد، این مبارزه تاسرنگونی‌کامل سرمایه‌داری وابسته باید ادامه یابد.تنها دراینصورت است که وابستگی به‌امپریالیسم ازبین میرود.

۲ ـ اینکه مدیران دولتی می‌گویند"باید بیشتر تولیدبکنیم‌و خودکفا بشویم" دروغ‌محض است. تازمانیکه‌اداره کارخانه‌ها یعنی کنترل تولید وتوزیع دردست کارگران نباشدهرچه بیشتر تولید بکنیم، جیب امپریالیستها را بیشترپرکرده‌ایم.

پاسدار، چماق پیمانکار برای اخراج کارگران

باگذشت‌مدت کوتاهی ازشروع مجددپروژه‌اسیدسازی پالایشگاه آبادان (بعدازنوروزامسال)کارگران متشکل شدند ومبارزه خودرا جهت رسیدن به خواستهای ایمنی و رفاهی (کفش ،لباس‌کار،کلاه وروزانه‌یک وعده‌شیر) شروع کردندو موفق هم شدند.این کارگران یکصدوسی نفرودراستخدام شرکت پیمانکاری تهران جنوب بودند.

باتغییرترکیب شوراومترقی شدن آن مبارزه برای احقاق حقوق کارگری آغازشد (حق مسکن،حق اولادو...) باضافه دریافت حقوق عقب مانده.کارگران مبارزات خودراابتدا با مذاکره آغاز کردنداماپیمانکارزیربار نرفت وبه بهانه اینکه شرکت نفت مزایا نمی‌دهد ـ ازدادن مزایا سرباز زد.

بلافاصله بعدازاینکه یکی ازسرپرستان بکارگران اعلام‌کرد که کارفرما گفته‌است من فعلا" پولی برای پرداخت حقوق‌شما ندارم کارگران دست به اعتصاب زدند.اعتصاب سه‌روز ادامه داشت ودرپایان باپرداخت حقوق عقب‌افتاده‌کارگران خاتمه یافت.

پروژه به‌اتمام خودنزدیک‌شده‌بودکه‌کارفرمالیست‌کارگرانی راکه میخواست اخراج کندتهیه کرد. کارگران بااطلاع‌ازاین موضوع وبرای جلوگیری ازاخراج شروع به فعالیت نمودند. ابتدامراجعه ومذاکره‌باتمام مراجع شرکت نفت وشهرآبادان شروع شد،امانتیجه کارمنفی بود.کارگران مجمع عمومی تشکیل دادندوتصمیم به اعتصاب گرفتند.سوم خرداد اعتصاب شروع شدو۲۷ روزادامه یافت .دراین هنگام که موعدکارت ورود کارگران به پالایشگاه تمام شد،کارگران تصمیم گرفتند مبارزه رابشکل دیگری ادامه دهند، دفتر مرکزی پالایشگاه روز۳۱خردادداشغال وبمحل تحصن‌کارگران تبدیل شد.اما شب هنگام ،پاسداران سرمایه همراه با چماق بدستان بومحل تحصن حمله کرده‌وکارگران رامتفرق کردند.دراین جریان هشت‌نفرازکارگران‌رانیزدستگیرکردندو هنگامی که کارگران جلوشهرداری اجتماع کرده وخواهان آزادی همکاران خودبودند فرمانداروپیمانکار،بدون حضور شورا،مذاکره کردندوتصمیم گرفتند ۴نفرازکارگران بادوماه حقوق اخراج شوندوبقیه هم پروژه رادوماهه‌تحویل‌بدهند.

اعتراض‌دروپنجره سازان نیشابور به‌گرانفروشان

دروپنجره سازان نیشابوروکارگران آنها دراواخرخردادبرای اعتراض به کمبودگرانی پروفیل درنیشابورجلو فرمانداری جمع‌شدند. آنها میگفتندمیزان مصرف‌پروفیل این شهرستان تقریبا مشخص است ولی کسانی که مسوول‌واردکردن‌آن‌هستند دوماه است‌پروفیل مصرفی ما را به‌شهرهای دیگرمیبرندبعلاوه‌هر کامیون پروفیل که وارد میشودآنها قیمتش‌رازیاد میکنند مثلاتا چندی قبل که قیمت‌پروفیل درتهران کیلوئی‌پنجاه ریال بودآنها آنرا کیلوئی پنجاه وهشت ریال میفروختندوحالا هم قیمت آنرا ۶۵ریال تعیین کرده‌اند. فرماندارقول‌دادبوضع آنها رسیدگی کند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم شماره ۶۸ صفحه ۴

"شورای اسلامی" کارخانه فیلکو نماینده مدیران است نه کارگران

"شورای اسلامی" کارخانه فیلکو در این روزها خدمت به منتخبین واقعی خود را به اوج رسانده است. این شورا که از بدو تشکیل تا کنون جز خدمت به سرمایه داران کار دیگری انجام نداده است، اکنون دیگر مشخصا" رو در روی کارگران می‌ایستد. اگر تا دیروز شرمگینانه، با چاپلوسی و پاپوش دوزی مانع حرکت حق طلبانه کارگران می‌شد امروز دیگر آشکارا به اخراج کارگران می‌پردازد ولی همچنانکه هیچ نیروئی قادر به مقاومت در برابر اتحاد کارگران نیست. این شورا نیز در مقابل اتحاد کارگران آگاه و پیشرو همواره به زانو درآمده و با رنگ عوض کردن حرف خود را پس گرفته است.

برای افشای ماهیت این شورا که یک دست خود را در دست انجمن اسلامی و دست دیگر را در دست مدیریت گذاشته است به آوردن چند نمونه از عملکردهای آن اکتفا می‌کنیم:

در تابستان ۵۸ یکی از کارگران را بجرم دروغین تبلیغات کمونیستی اخراج می‌کند اما با حرکت اعتراضی کارگران مواجه میشود کارگران قسمت پرس تهدید به اعتصاب می‌کنند و طوماری از امضای کارگران حمایت از کارگر تهیه می‌شود. شورای اسلامی کارخانه زیر فشار کارگران تاب تحمل نیاورده و مجبور به برگرداندن مجدد کارگر اخراجی می‌شود.

در تابستان ۵۸ ماموران کمیته یکی از کارگران قسمت شارژینگ را که مخالف شورا بود و همیشه از حقوق کارگران دفاع میکرد، با تحریک اعضای شورا دستگیر کردند اما هنوز یکساعت از بازداشت این کارگر نگذشته بود که کارگران آن قسمت در اعتراض به این مسئله دست از کار کشیدند و در اثر فشار یکپارچه کارگران شورا مجبور شد کارگر مزبور را آزاد کند.

در اواخر زمستان ۵۸ یکی از مهندسین تازه از انگلستان برگشته بخاطر رفتار غلطش توسط یکی از کارگران در کارخانه مورد خواست قرار می‌گیرد، مشاجره بین آنها بالا گرفته و کار به زد و خورد می‌کشد. بعد از این ماجرا سرپرست قسمت، مهندس مزبور و شورا متحدا" این کارگر را اخراج می‌کنند که باز هم با اعتراض یکپارچه کارگران قسمت و حمایت بقیه کارگران از آنها مواجه شده و ناچار به برگرداندن کارگر فوق می‌شوند.

در تابستان ۵۹ طرحی از طرف "شورای اسلامی" کارخانه و مدیریت به قسمت "کنترلرها" تحمیل می‌شود. بنابراین طرح که هدفی جز ضربه زدن به یکپارچگی حقوق کارگران برای احقاق خود نداشته "کنترلرها" را به دو قسمت بالا و پائین تقسیم می‌کردند و برای هر نفر دو سر کنترل تعیین می‌نمودند. کارگران این قسمت متحدا" به اعتراض علیه این طرح تحمیلی پرداختند در ابتدا شورا آنها را تهدید به انتقال به قسمت‌های دیگر یا اخراج از کارخانه نمود اما همچون همیشه در برابر اتحاد کارگران این قسمت تسلیم شد و نتوانست طرح نفاق افکنانه سرمایه داران را پیاده کند.

اخیرا "کارگری که با حرف زور سرپرست خود مخالفت کرده بود توسط این شورا و مهندس قسمت اخراج شد. اما کارگران آگاه و انقلابی که دیگر بخوبی درک کرده‌اند چاره کارشان در وحدت و تشکیلات است با اتحاد یکپارچه خود بمدت ۳ ساعت دست از کار کشیدند تولید آن قسمت خوابید. مدیران و شورا شدیدا" به تکاپو افتادند. دست به هرکاری زدند تا کارگران را مجددا "به کار وادارند اما وقتی ناامید شدند چاره‌ای نداشتند جز باز گرداندن کارگر اخراجی. و کارگران پس از پیروزی با خوشحالی و غرور بکار خود ادامه دادند.

نمونه‌های بالا نشانگر گوشه کوچکی بود از عملکرد این شورا و مبارزات کارگران کارخانه فیلکو در یکسال و اندی که گذشت. اکنون دیگر ماهیت این شورا بخوبی افشا شده است.

تمام کارگران این کارخانه باید همچون همیشه، یکپارچه خواهان تجدید انتخابات شورا شوند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند. این شورا تا کنون نماینده مدیران بود، یک چنین شورائی نمیتواند مورد تائید کارگران باشد و شورای واقعی کارکنان باید تشکیل شود.

فرماندار نیشابور از روستائیان می‌خواهد بهره وام را قبل از استفاده بپردازند

باران و تگرگ شدیدی که در اواخر اردیبهشت در نیشابور بارید، به محصولات کشاورزی این منطقه صدمات جدی زد و حتی در مواردی نود تا صد درصد کشت کشاورزان را از بین برد. بیشترین خسارت بمزارع خیار، گوجه فرنگی، کدو و بادمجان وارد شد، مزارع با قلا، پنبه و باغهای میوه بخصوص انگور و حتی بعضی از مزارع گندم و جو نیز آسیب دید. روز بعد از این تگرگ شدید هیئتی برای بررسی روستاهای آسیب دیده میروند و میگویند بروید به فرمانداری، گزارش کنید تا رسیدگی شود. چند روز بعد از آن حدود ۲۰۰ نفر از کشاورزان آسیب دیده به فرمانداری نیشابور مراجعه میکنند آنها میگفتند بما وام بدون بهره بدهید تا ما خسارتمان را جبران کنیم و فرماندار که خیلی بفکر زحمتکشان و خسارات وارده به سرمایه و زندگی آنها است، گفت: "بله شما میتوانید از وام کشاورزی استفاده کنید ولی بهره آنرا باید قبلا" بپردازید"! کشاورزان این پیشنهاد بزرگوارانه فرماندار را نپذیرفتند و بروستای خود بازگشتند.

اتحاد زحمتکشان ضامن پیروزی است

اهالی سه روستای نیرآباد، توزنده جان و قلعه نو از روستاهای نیشابور که برای چرای گوسفندان خود با تو کلی سرمایه‌دار معروف شهر اختلاف پیدا کرده بودند نشان دادند که همه زحمتکشان میتوانند با اتحاد و مقاومت خود در مقابل زور سرمایه‌دار و دولت‌های او بایستند و حق خود را بگیرند. تو کلی که صاحب حدود ۴۵۰ هکتار زمین در این سه روستاست بعد از برداشت محصول، "کلش" (بقایای ساقه گندم را) به روستائیان نمیدهد و آنها را به کسان دیگری میفروشد. روستائیان که برای چرای گوسفندان خود به این کلش (ساقه گندم) احتیاج داشتند، تصمیم گرفتند گوسفندان خود را در این زمین‌ها بچرانند. بدنبال شکایت تو کلی به دادستان انقلاب بلافاصله پاسداران به روستاها میآیند و یکی از دهقانان را که نماینده شورای ده نیز هست دستگیر میکنند، اهالی هر سه روستا به شهر میآیند و خواستار آزادی نماینده خود میشوند و بالاخره هم با اتفاق نماینده خود به روستا باز میگردند. روز بعد، پاسداران به این سه روستا میروند و میگویند روستائیان گوسفندانشان را در همان زمین‌ها بچرانند و اجاره آنرا به جهاد سازندگی بدهند تا طرح‌های عمرانی در آنجا پیاده کند. روستائیان خودرا میچرانند ولی تاکنون پولی پرداخت نکرده‌اند.

کمکهای مالی دریافت شده

الف		۶۱۰		۳۲۹۰		۲۳۰۰		۱۵۱۲۳	۲۰۴۴۴
۱۰۰۲۵۶		۶۱۰		۸۰۲۱		ط		۵۲۰۱	ق
۵۱۲۳		خ		س		۷۰۱۲		۱۰۷۴۹	۴۴۴۴
ب		۷۹۴۶		۵۱۱		ع		۵۱۰۰	۵۲۴۰
۱۳۳۳		۲۲۰۹۷		۵۴۴۴		۵۳۱۳		ف	ک
ج		۲۳۲۲		۱۴۲۱۳		۶۱۹۹		۳۶۰۰	۲۱۰۲
۲۷۹۰		د		سا		۱۵۱۲۳		۳۱۳۵۷	۸۲۱۷
ح		۳۴۱۸		۲۱۲۰۳		۱۵۱۲۳		۱۰۸۸۰	۱۱۰۲
۵۰۲۴۳		ر		ش		۱۵۱۲۳		۶۲۴۰	گ
		۱۰۴۴۴		۵۸۳۰		۱۲۲۳		۱۹۹۹	۱۱۳۷
						۱۰۵۲۵		۳۵۲۰۱	

ن		م — م	
۱۱۱۲		۳۷۲۲	
۹۲۱۱		م	
ه		۱۸۳۳	
۲۰۳۲۷		۱۵۱۱	
ی		۵۰۰۰	
دانش آموز دوم راهنمائی		۱۰۱۳	
		۴۰۵۵۰	
		۵۳۰۴	
		۵۳۸۱	
		۴۱۲۹	
		۳۹۸۴۵	

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۸ ـ صفحه ۵

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

مسئله کردستان و موضع ما (۲)

سیاست "اکثریت کمیته مرکزی" اعتماد به هیئت حاکمه، بی اعتقادی به توده هاست

درشماره گذشته ما به ضرورت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک حول مسئله مبرم موضع نیروهای انقلابی در قبال جنبش دموکراتیک خلق کرد تاکید کردیم وبه طرح اختلافات مان با "کمیته مرکزی" پرداختیم.

البته درزمان تشکیل پلنوم "گرایشات گوناگون درون سازمان هنوز شکل نهائی بخود نگرفته بودوصف بندی ایدئولوژیک ـ سیاسی در شرف تکوین وتکامل بود.

امروز گرایشات مختلف تبلور یافته ومرزبندی ایدئولوژیک ـ سیاسی بطورروشنی بوجود آمده است وباتکامل اختلافات بدو مشی کاملا "متضاد جدائی تشکیلاتی نیز صورت پذیرفته است.

اگر مادرپلنوم (مهرماه ۱۳۵۸) از گرایش براست درجناحی ازسازمان برهبری "اکثریت کمیته مرکزی" سخن می‌گفتیم، امروز باگرویدن کامل آنها به خط ومشی رفرمیستی حزب توده مواجهیم.

بنابراین ضروری است که ضمن نشان‌دادن جوهر تسلیم طلبانه ورفرمیستی نظرات اکثریت "کمیته مرکزی"، خط مرزهای بین مارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی را بارفرمیسم بطورروشنی ترسیم کنیم.

* * *

مارکسیست ـ لنینیست هازمانی میتوانند به مسئله موضعگیری صحیح وارائه سیاست مستقل طبقه کارگردرقبال جنبش مقاومت خلق کرد پاسخ درست بدهند که دررابطه لاینفک امر سوسیالیستی ووظایف دمکراتیک پرولتاریا در مبارزه طبقاتی‌اش درک صحیح وعلمی داشته باشند.

خصلت عام جنبش طبقه کارگردرسوسیالیستی بودن آنست، حال آنکه خصلت عام جنبش خلقهای تحت ستم دردموکراتیک بودن آن. شاید دیگر لازم به تاکیدوتوضیح نباشد که‌وقتی فی‌المثل ازخصلت عام سوسیالیستی بودن جنبش طبقه کارگر صحبت می‌کنیم، ویژگی دیگر این جنبش را که همانامبارزه بخاطر استقرار دمکراتیسم پرولتاریائی است ازنظردورنداشته‌ایم همچنانکه وقتی صحبت ازخصلت دمکراتیک جنبش خلقهای تحت ستم بمیان میآید مسئله برای مارکسیست ـ لنینیست‌ها تنها بدینگونه مطرح است که هرجنبش اصیل ملی درنهایت جزء یاحلقه‌ای ازمبارزه طبقاتی پرولتاریاست.

"مسئله حقوق ملل یک موضوع منفردومستقل نبوده بلکه جزئی ازمسئله کلی انقلاب پرولتاریائی است واین جزء مطیع کل بوده و از نقطه نظرکل بایدبه‌آن نگاه کرد."

(استالین ـ راجع به‌اصول لنینیسم)

این همان حلقه‌اساسی است که‌مرزبندی‌بین مارکسیسم ـ لنینیسم واپورتونیزم ورویزیونیسم و سوسیال شوونیزم‌رامشخص میسازد.

لذانخستین نکته‌ایکه برآن تاکیددارید، برخورد به مسئله جنبش خلق کردازنقطه نظر منافع مبارزه طبقاتی پرولتاریاست، دومین‌نکته ای‌که‌میباید برآن تاکیدورزید بررسی تاریخی مشخص مبارزات خلق کرداست.

بدون درنظرگرفتن خصوصیات عمده دوران تاریخی حاضر، بدون تحلیل مشخص‌ازموقعیت مشخص جامعه، بدون تعیین خصلت و ماهیت قدرت حاکمه، بدون بررسی علل اجتماعی و طبقاتی مبارزات خلق کرد، خصلت وماهیت این مبارزات، بدون بررسی رابطه جنبش سراسری طبقه کارگروجنبش خلق کردو ..... قادربه پاسخگوئی صحیح به‌مسئله‌فوق‌نخواهیم بود.ماقبلا "نظراتمان‌رادرباره‌بحران اقتصادی موجود وچشم اندازآینده آن، خصلت، ماهیت وترکیب طبقاتی قدرت حاکمه، علل اجتماعی‌وطبقاتی مبارزات خلق کردوعادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد، اعلام کرده‌ایم (رجوع شودبه نبردخلق ارگان تئوریک ـ سیاسی سازمان شماره۱دوره‌جدید و کارشماره۶۱به بعد). دراین شماره به بررسی نظرات اپورتونیستی "اکثریت‌کمیته مرکزی" درباره خصلت وماهیت قدرت حاکمه ومبارزات خلق کردمی‌پردازیم.

اولین مسئله‌ایکه‌دربررسی نظریات اکثریت "کمیته مرکزی" شایان توجه است، فقدان موضع‌گیری صریح وارائه تحلیل مشخص‌از مبارزات خلق کردازجانب آنان است.

آنها تاکنون هیچگاه به بررسی وتحلیل علمی جنبش حق طلبانه خلق کردورابطه آن با مبارزات سایر خلقهای ایران وجنبش طبقه کارگر و .... نپرداخته‌اند. موضع‌گیریهای سیاسی لحظه‌ای همراه بانوسانات دائمی بارزترین مشخصه موضع‌گیریهای آنهاست که خودنمودی‌است از اپورتونیسم ریشه‌دار.

شاید بتوان گفت موضعگیریهای کارشماره ۵۹ به بعد وبیانیه "درباره‌وظائف نیروهای انقلابی ومترقی درکردستان" وآخرین شاهکارشان سر مقاله ارگان سراسری کمیته مرکزی شماره۶۵ با تمام ابهامات ونادرستی‌هایش گامی است در جهت اعلام نظرات صریح ازجانب آنان.

آنهاکه تادیروز سعی میکردند ازموضعگیری صریح شانه خالی کنند، درآنچنان شرایطی از مبارزه‌طبقاتی قرارگرفتندکه مجبورشدندبدنبال مذاکرات شان بانمایندگان بورژوازی به‌امید کسب "امتیازاتی" به‌اظهارنظرصریح در محکوم کردن مبارزات خلق‌کرداقدام‌کنند.

هرچنددراین‌اعلام موضع (که‌باهیچگونه تحلیل‌مشخص همراه‌نیست) حداعلای تلاش خویش رابکاربستندتانظرات خودرادرپرده‌ای از جملات مبهم مستتردارند، لیکن خط زرد مشی اپورتونیستی ورفرمیستی حزب توده‌از لابلای نوشته‌هایشان بوضوح نمایان‌بود. حال یک بیک ببینیم نظرات آنان درباره‌اساسی‌ترین‌مسائل چگونه‌است.

۱ـ ماهیت سیاست های هیأت حاکمه درکردستان

کمیته‌مرکزی ازآنجاکه‌قادربه‌درک ماهیت وخصلت طبقاتی بورژوائی حاکمیت‌کنونی نیست وآنرادارای‌ماهیت‌ضدامپریالیستی، انقلابی می‌شناسد دربررسی سیاست های هیئت حاکمه در کردستان درمخمصه شدیدی‌قرارمی‌گیرد.

آنهاازسوئی میخواهندماهیت سیاستهای هیئت حاکمه‌راانقلابی وضدامپریالیستی قلمداد کنندوازسوی‌دیگرواقعیات مبارزه‌درکردستان خط بطلان برنظریات آنهامی‌کشدلذامجبورند به تناقض گوئی بیفتندوبه‌تحریف واقعیات ووارونه جلوه‌دادن قضایاوارائه نظریات غیر مارکسیستی متوسل شوند.

آنهادرباره‌سیاستهای هیئت حاکمه در کردستان می‌نویسند:

"تعقیب سیاست سرکوب ازجانب هیئت حاکمه‌در کردستان، امروزباعث گردیده که‌مردم در ابعاد گسترده‌ای ازحاکمیت فاصله‌گیرندومواضع ضد امپریالیستی آن‌رادرک نکنند." (سرمقاله‌ارگان سراسری شماره۶۵) واضافه‌می‌کنند:

"گسترش جنگ درکردستان باعث میشود که خلق‌گردبیش ازپیش تمامی‌مصائب وبدبختی‌های خودراازچشم حاکمیت‌موجود ببیند" (همانجا)

شما آقایان که‌توده‌های‌مردم راکه‌بعلت‌تجربه سیاست های هیئت حاکمه ازآن فاصله‌می‌گیرند به‌عدم‌درک‌مواضع "ضدامپریالیستی" "حاکمیت متهم می‌کنید ولابدانتظاردارید‌توده‌هامواضع "ضدامپریالیستی" آنرادرک! کرده ازآن‌فاصله نگیرند. لطفا "توضیح دهید، توده‌های مردم، کارگران وزحمتکشان ودهقانان وخلقهای‌تحت ستم‌میهن ما، که پس ازسپری‌شدن یکسال و نیم ازقیام بهمن ماه‌به‌هیچکدام ازخواستهای‌واقعی خویش دست نیافته‌اندوهمچنان تحت ستم و استثمارقراردارندوبارنج‌هاومصائب فراوان روبروهستند "تمامی‌مصائب وبدبختی‌های خود راازچشم" چه‌کسی بایدببینند؟از "چشم" آنارشیست‌ها؟یااز "چشم" دولت جمهوری اسلامی؟ مگراین‌دولت‌جمهوری‌اسلامی‌نیست که حقوق‌حقه کارگران‌ودهقانان وزحمتکشان‌راپایمال می‌کند؟ مگراین‌حکومت نیست که حقوق‌خلق کرد راانکارمی‌کند؟مگراین‌ارتش اسلامی‌وپاسداران ـ نیستندکه توده‌های‌خلق راسرکوب می‌کنند؟ مگر این‌حکومت درکردستان دست‌به‌محاصره اقتصادی نزده‌است؟ مگراین‌حکومت انقلابیون ومبارزین کردرادسته‌دسته اعدام‌نمی‌کند؟ شما که مواضع "ضدامپریالیستی" حکومت رادرک!! کرده‌ایدتوضیح دهیدچه‌کسانی‌حافظ وپاسدار نظام‌طبقاتی‌کنونی‌هستندوبراستثمارتوده‌های

بقیه در صفحه ۶

سرکوبگران خلق کُرد، دشمن همه‌خلقهای ایران هستند

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم شماره ۶۸ صفحه ۶

مسئله کردستان و ...

بقیه از صفحه ۵

زحمتکش صحه می‌گذارند؟ مگر خود شما در همان سر مقاله کذائی اعتراف نکرده‌اید که:

"قطعنامه نمایندگان مجلس شورای اسلامی که به مقابله با هرگونه حقوق ملی و قومی تاکید دارد." (همانجا تاکید از ماست). مگر خود شما ننوشته‌اید که:

"تنظیم کنندگان این قطعنامه، نه تنها بی اطلاعی محض خود را از اوضاع سیاسی کشور آشکار ساختند، بلکه با صدور چنین قطعنامه‌ای نشان می‌دهند که نسبت به مصالح مردم ایران تا چه پایه بی اعتنا بوده و فاقد احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت انقلاب مردم ما هستند" (همانجا تاکید از ماست) و "سازمان ما، مسئولیت تمامی عواقبی را که اتخاذ چنین سیاستهای جنگ طلبانه و غیر مسئولانه بر سرنوشت مبارزات مردم ما برجای میگذارد مشخصا "برعهده جمهوری اسلامی می‌داند". (همانجا تاکید از ماست)

واقعیات آنقدر روشن و عیانند که تلاشهای مذبوحانه شما را برای تحریف واقعیات بی اثر می‌سازد لذا ناچارید به تناقض گوئی بیفتید و گناه عدم درک! "مواضع ضد امپریالیستی" حاکمیت را بگردن ناآگاهی توده‌ها بیندازید. ناآگاهی توده‌ها بماند، استدلال شما برای ماهیت سیاستهای "انقلابی" و "ضد امپریالیستی" حکومت چیست؟ شما در بیانیه "درباره وظائف نیروهای انقلابی و مترقی در کردستان" می‌نویسید:

"ما میدانیم که عوامل جنگ افروز در هیئت حاکمه که در راس آن فرماندهان مزدور ارتش قرار گرفته‌اند با سیاستهای خود همسو و همگام با مزدوران وابسته به بعث و امپریالیسم امریکا عمل می‌کنند" و "این سیاست که به نارضایتی مردم و توده ارتشی دامن میزند با تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم خدمت می‌کند" (همان بیانیه ـ تاکید از ماست).

حال این چگونه سیاست ضد امپریالیستی است که "تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم خدمت می‌کند"؟ آیا سیاست هیئت حاکمه در کردستان پس از قیام بهمن ماه بجز سیاست سرکوب خلق کرد و انکار حقوق حقه آنان چیز دیگری بوده است؟ این سومین بار است که جنگ توسط هیئت حاکمه به خلق کرد تحمیل میشود.

آیا با تمام این اوصاف باز هم میتوانید ادعا کنید، سیاستی که پیگیرانه توسط هیئت حاکمه دنبال شده و بزعم خودتان تنها در خدمت امپریالیسم بوده است، سیاستی انقلابی و ضد امپریالیستی است؟

شاید هم منظورتان از ذکر "عوامل جنگ افروز در هیئت حاکمه که در راس آن فرماندهان مزدور ارتش قرار گرفته‌اند و جنگ را تحمیل می‌کنند"، بیگناه جلوه دادن سایر عوامل و جناحهای غیر جنگ افروز و صلح طلب هیئت حاکمه است؟ و میخواهید بگوئید که هیئت حاکمه خواهان چنین سیاستی نیست و سران مزدور ارتش چنین سیاستی را به آنان تحمیل کرده‌اند؟ اگر چنین تفکری داشته باشید که بنظر ما در بیانیه خواسته‌اید به خواننده چنین القاء بکنید جواب شما را با نقل قولی از لنین می‌دهیم که می‌گفت:

"ولی اکنون و بویژه مهم است که کارگران آگاه به مسئله اساسی انقلاب با هشیاری نگریسته ببینند در لحظهٔ فعلی قدرت دولتی در دست کیست. اگر شما مظاهر مادی آنرا معین کنید و عبارت پردازی را بجای عمل نپذیرید در یافتن آن دچار اشکال نخواهید شد."

فردریک انگلس مینویسد:

"دولت مقدم بر هر چیز شامل دسته‌هائی از افراد مسلح است با اضافه زوائد مادی از قبیل زندانها. ولی اکنون این زوائد شامل یونکرها و قزاقهای مرتجعی است که مخصوصا" به پطروگراد احضار شده‌اند، شامل کسانی است که کامنف و سایرین را در زندان نگاه داشته‌اند، شامل کسانی که روزنامه "پراودا" ۲۳۱ را توقیف کردند، کارگران و قسمت خاصی از سربازان را خلع سلاح نمودند و اکنون سربازانی از همین قبیل و واحدهای ارتشی از همین قبیل را تیرباران می‌کنند. آری این جلادان ـ قدرت حاکمه واقعی هستند تسره‌تلی‌ها و چرنف‌ها و زرای دون قدرت هستند، آنها وزرای عروسکی و سران احزابی هستند که از جلادان پشتیبانی مینمایند. این واقعیت است و اینکه تسره‌تلی و چرنف هیچکدام لابدایی جلادی را مشخصا" تائید نمی‌کنند "و روزنامه‌های آنان خائنانه آنرا انکار می‌نماید در این واقعیت تغییری نمیدهد، عوض کردن ظاهر سیاسی تغییری در ماهیت قضیه نمی‌دهد."

معنای سخنان لنین در شرایط کنونی چنین است که قدرت واقعی در دست همین "عوامل جنگ افروز در هیئت حاکمه و در راس آن فرماندهان مزدور ارتش" می‌باشد چرا که تاکنون سیاستهای آنان عملی شده و به اجرا درآمده است.

شما که برای "بیگناه" جلوه دادن و ضد امپریالیست و انقلابی معرفی کردن هیئت حاکمه با چنین استدلالی مسئولیت جنگ در کردستان و سیاست سرکوب هیئت حاکمه در قبال جنبش خلق کرد را که به اعتراف خودتان "تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم خدمت می‌کند" به گردن عوامل جنگ افروز و فرماندهان مزدور ارتش انداخته‌اید، باید به توده‌ها توضیح دهید پس چرا در مقاله "نظری بر پیشداوریهای منشعبین" نوشته‌اید:

"ارتش بدون فرمان خرده بورژوازی حتی حق شلیک یک تیر را نیز ندارد" لنین می‌گوید اپورتونیسم همواره مثل مار بین نظرات ناسخ و منسوخ هم می‌پیچد و شما نیز بنا به ماهیت اپورتونیستی تان دقیقا" چنین رویه‌ای در پیش گرفته‌اید. شما در جای دیگر ناآگاهی زمامداران جمهوری اسلامی را علت بروز جنگ دانسته و می‌نویسید:

"مانسبت به تعقیب این سیاست به آن دسته از زمامداران جمهوری اسلامی که در توهم پیروزی نظامی، ناآگاهانه بدین دام افتاده‌اند. جدا" هشدار میدهیم" (بیانیه)

آیا مبتذل‌تر از این میتوان علل اجتماعی جنگ در کردستان را توضیح داد؟ "در دام جنگ افتادن، بعلت توهم پیروزی نظامی"! "توهم پیروزی نظامی" علت بروز جنگ و دلیل سیاستهای سرکوبگرانه حکومت است؟! پیروزی نظامی نه علت بلکه وسیله ایست برای رسیدن به اهداف طبقاتی معین. حتی خود این زمامداران هم شخصا" شان بیشتر از شما است. کافی است که به نطق این آن گوش فرا دهید تا متوجه گردید که چگونه از منافع طبقاتی مشخص و معین دفاع می‌نمایند و نه تنها ناآگاه نیستند بلکه کاملا" آگاهند و میدانند که چه می‌کنند.

یک بار دیگر متن مذاکره‌تان را با بهشتی مرور کنید، آنگاه در خواهید یافت که ناآگاه نه آنان، بلکه خود شما ئید که نا "آگاهانه" بدام بورژوازی افتاده‌اید. این نماینده آگاه بورژوازی که با زیرکی تمام شما را فریب داده و از شما می‌خواهد که توبه کنید و به آنها اعتماد کنید و این اعتماد به آنان را اعلام کنید و "توهماتی" را که نسبت به آنان در میان توده‌ها بوجود آورده‌اید، بزدائید و در همان حال در روزنامه رسمی حزب جمهوری اسلامی فدائیان خلق را وابسته به امریکا معرفی می‌کند و در نماز جمعه توده‌ها را تحریک نموده و شعارهای مرگ بر فدائی و مجاهد را به آنان تحمیل می‌کند و دسته‌های چماقدار را راه می‌اندازد. آیا در این "معاملات" و بند و بست‌ها خود را مغبون و فریب خورده نمیدانید؟ آش را نخوردید، دهانتان هم سوخته است. مثلی است مشهور که میگوید، دون فطرتی نابخرد که گناه بدون لذت منجر میشود و حال و روز شما همین است.

شما که به یکباره از توده‌ها و مبارزات شان روی بر تافته و اعتماد به حکومت را جایگزین اعتقاد به توده‌ها ساخته‌اید و بدنبال کسب "امتیاز" هستید بهتر نیست این ناشیگریهای خود را کنار بگذارید و از اپورتونیستهای کهنه کار حزب توده که در این قبیل بند و بست‌ها استادند درس بگیرید و رهبری کامل آنها را بپذیرید؟ آنها حداقل اگر منافع خلق و توده‌های مردم را به بورژوازی تسلیم می‌کنند، لااقل "امتیازاتی" کسب می‌نمایند. شما در آنها اختلاف اساسی ندارید و چنین روشهائی مورد پسندتان است. مادر شماره‌های آینده نشان خواهیم داد که با چنین نگرشی هدف شما از "صلح عادلانه!" چیست و چگونه سازش طبقاتی و رفرمیسم را تحت پوشش صلح عادلانه دنبال می‌کنید.

برگردیم سر اصل مطلب، فرض کنیم که "برخی از زمامداران جمهوری اسلامی" حتی ناآگاهانه به این دام افتاده باشند و "توهم پیروزی نظامی" آنان را به چنین جنگی کشانده است و عملا" سیاستی را تائید می‌کنند و پیش می‌برند که به اعتقاد خود شما "تنها در خدمت امپریالیسم است". حال سئوال می‌کنیم ناآگاهی افراد تعیین کننده است یا عمل آنان؟ حرف ملاک است یا عمل؟ آیا این همان "پشتیبانی در عمل" و "اعتماد ناآگاهانه" که خرده بورژوازی را به دنباله‌روی از بورژوازی می‌کشاند و به زائده آن بدل می‌کند نیست؟

شما در حقیقت گفته‌اید این سیاست تنها در خدمت امپریالیسم است و دسته‌ای زمامداران جمهوری اسلامی (که حتما" بنظر شما "حسن نیت" دارند) بدام امپریالیسم افتاده‌اند و عملا" سیاستهایشان در خدمت آنست و البته این سیاستی است که پس از قیام پیگیرانه دنبال شده است ولی علیرغم این، سیاستهای هیئت حاکمه انقلابی و ضد امپریالیستی است! حال بعهده شماست که این تناقض را بمردم توضیح دهید.

بقیه در صفحه ۷

ما ضمن آنکه پالیزبانها، اویسی‌ها و دیگر محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه‌داران بزرگ را دشمنان خلق کرد و همه خلقهای ایران میدانیم و قاطعانه علیه آنها نبرد می‌کنیم...

سرکوبگران خلق کرد و سایر زحمتکشان ایران را دوست و متحد خود نخواهیم شمرد و صف انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش نخواهیم ساخت.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۸۶ ـ صفحه ۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

مسئله کردستان و ...

بقیه از صفحه ۶

۲ـ سیاست های هیئت حاکمه و فعالیت ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران بزرگ

اپورتونیستهای "کمیته مرکزی" ازیکسوازتعیین ماهیت وخصلت طبقاتی سیاستهای هیئت حاکمه طفره رفته وازسوی دیگربا انگشت گذاردن بر فعالیت عوامل مزدور امپریالیسم نظیر پالیزبان ، اویسی و ... درکردستان وبزرگ نمودن آن تلاش میکنند برمبارزات بحق خلق کرد خط بطلان کشند .

آنها که جنگ کردستان را محصول توطئه امپریالیسم ، چپ روی آنارشیست ها وناآگاهی جناحهائی ازهیئت حاکمه قلمداد می کنند وکلمه ئی هم درباره اینکه خواستهای خلق کرد چیست و این مبارزات حق طلبانه وعادلانه است یا نه نمی گویند . آنها نمی گویند که کارگران ، دهقانان و زحمتکشان کرد ، پیشمرگه های فدائی و ... با چه کسانی وبا چه هدفی مبارزه می کنند وآیا این اهداف انقلابی ومترقی است یا ارتجاعی وضدانقلابی که آنرا بسود جنبش ضدامپریالیستی نمی دانند . آنها تنها با تاکید مکرر برمبارزه ضدامپریالیستی که بزعم آنها توسط حکومت به پیش برده میشود ، مبارزات ملی وطبقاتی خلق کرد را درجهت تضعیف مبارزه ضدامپریالیستی وانمود می سازند چراکه به اعتقاد آنها مبارزه انقلابی توده های خلق کرد از آنجاکه حکومت را تضعیف می کند ، پس درنتیجه مبارزه ضدامپریالیستی را تضعیف می نماید .

این آقایان که خود را قهرمانان بازگشت به اصول میدانند چگونه این الفبای مارکسیسم ـ لنینیسم را فراموش کرده اند که برای بررسی هر پدیده اجتماعی از آنجمله مبارزات خلق کرد ، نخست باید علل اجتماعی وریشه های طبقاتی آنرا جستجو نمایند .

آنها برای توضیح علل اجتماعی مبارزات خلق به توطئه امپریالیستها وچپ روی "آنارشیست ها" متوسل می شوند آنها درک نمی کنند ویا نمیخواهند درک کنند که بروز جنگ درکردستان بعلت شرایط خود ویژه آنجا وحدّت یافتن مبارزه ملی وطبقاتی وبنا به خصلت وماهیت طبقاتی قدرت حاکمه امری اجتناب ناپذیر بوده است ودراین میان نقش توطئه امپریالیستها وچپ روی "آنارشیست ها" (اگرهم صورت گرفته باشد) دارای اهمیت فرعی می باشد .

آنها با ارائه چنین تحلیل هائی آشکارا نشان میدهند که حتی مفهوم علمی توطئه را نیز درک نکرده اند . اولا "توطئه شکل بروز یک پدیده اجتماعی را بیان می کند و نه علل اجتماعی آنرا ، ثانیاً" توطئه عبارت است از اقدام اقلیتی محدود که متکی به نیروی توده ها نباشد . حال اگر واقعا" جنبش مقاومت خلق کرد محصول توطئه عوامل امپریالیسم وچپ روی آنارشیست ها است وهیچگونه زمینه مادی ندارد ، چگونه است که خود این آقایان می نویسند :

"این عوامل (منظور نویسندگان بیانیه عوامل جنگ افروز هیئت حاکمه است) بخوبی میدانند که برای ارتش درکردستان پیروزی نظامی وجود ندارد . " این چگونه توطئه ایست که از آنچنان پشتوانه توده ای برخوردار است که حکومت جمهوری اسلامی با پشتوانه توده ای اش قادر به درهم شکستن آن نخواهد بود ؟

آقایان اپورتونیست ها بهتر نیست کمی درباره مفاهیمی که بکار می برید بیندیشید ؟ آیا نمیدانید که بورژوازی نیز همواره به همین شیوه های استدلال متوسل میشود ؟ تاریخ را نگاه کنید ! بورژوازی در بررسی هایش همه درگیریها وجنگ ها را محصول توطئه ، ناآگاهی ، اشتباه وغیره قلمداد می کند چراکه میخواهد ناگزیری مبارزه طبقاتی وجنگ طبقاتی را نفی کند . دوستان شما درروزنامه مردم نیز عینا" همین را می نویسند "اعتصاب ، تحصن ، توطئه امریکاست" ! آیا براستی اعتصاب وتحصن شکلی از اشکال مبارزه کارگران ومحصول استثمار کارگران توسط سرمایه داران است یا توطئه امریکاست ؟ ! مبارزات خلق کرد محصول ستم ملی وطبقاتی بر خلق زحمتکش کرد وانکار حقوق حقه آنان توسط حکومت است یا نتیجه توطئه پالیزبان ها و ... است ؟ آیا جنگ کنید محصول حدت وشدت یافتن تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی است یا نتیجه توطئه عوامل شریعتمداری است ؟ نکند از دیدگاه شما مبارزه طبقاتی وجنگ طبقاتی نیز خود یک توطئه بزرگ است ؟ ! آیا هرگز به کنه استدلات خویش اندیشیده اید ؟ شما برای اثبات ملی ومترقی بودن قدرت حاکمه از برهان خلف استفاده می کنید ومیگوئید اگر حاکمیت انقلابی نیست پس چرا پالیزبانها واویسی ها و ... با حکومت می جنگند ؟ وسپس استدلال می کنید چون پالیزبانها با حکومت می جنگند پس حاکمیت انقلابی است . وباچنین نحوه استدلالی لابد شما باید ماهیت حکومت رضاخان را هم ملی ومترقی بدانید که چرا هم با اسماعیل آقا سیمیتقو می جنگید وهم با شیخ خزعل و هردوی اینان مرتجع بودند .

شما که اینقدر شیفته شیوه استدلال برهان خلف هستید توضیح دهید . اگر حکومت انقلابی است چرا فدائیان ومجاهدین ودیگر نیروهای انقلابی را سرکوب می کند ؟ چرا انقلابیون اعدام می شوند ؟ چرا حکومت دهقانان ترکمن صحرا ، کارگران ودیگر زحمتکشان میهنمان ، خلق کرد و ... را سرکوب می کند ؟ شوراها را برمی چیند مردم بیگناه را بمباران می کند ؟ چرا حقوق دمکراتیک مردم را پایمال می کند ؟ سیستم سرمایه داری وابسته را باز سازی می کند ؟ از زمینداران وسرمایه داران دفاع می کند ؟ ... مطمئن هستیم که پاسخی برای سئوالات فوق وبسیاری سئوالات دیگر نخواهید یافت . چراکه از بررسی علمی پدیده های اجتماعی ناتوان هستید وقادر نیستید بنا به ماهیت اپورتونیستی تان واقعیات را بطور علمی تحلیل نمائید .

اگر ادعای مارکسیست بودن را دارید باید تعیین کنید اولا" ـ مضمون طبقاتی جنگ بین پالیزبانها و قدرت حاکمه چیست ؟ وثانیا" ـ مضمون طبقاتی مبارزه خلق کرد وسایر زحمتکشان با قدرت حاکمه چگونه است .

واقعیات بروشنی نشان میدهد که مضمون طبقاتی مبارزه بین قدرت حاکمه ومحافل وابسته به امپریالیسم نظیر پالیزبانها واویسی ها و ... ، بیانگر تضاد بین بورژوازی بزرگ ومتوسط برسرکسب هژمونی در قدرت سیاسی بوده وتضادی درون طبقه ایست . حال آنکه تضاد بین کارگران ، دهقانان وسایر زحمتکشان وخلق زحمتکش کرد وترکمن و ... با قدرت حاکمه بیانگر تضاد بین دو اردوگاه انقلاب و ضدانقلاب می باشد وبهیچوجه تضاد درون خلقی نیست وجهت گیری ارگانهای قدرت دولتی ، دفاع از منافع سرمایه داران وزمینداران است . بورژوازی متوسط هم متحد خلق درمبارزه علیه امپریالیسم نبوده بلکه درصف مقابل آن قرار دارد .

این بمعنی نفی تضادهای بین جناحهای مختلف بورژوازی وبهره گرفتن از تضادها بسود خلق نیست . مارکسیست ـ لنینیست ها موظفند از تضادهای درونی اردوگاه بورژوازی به نفع پیشبرد انقلاب بهره گیرند اما برای بهره گیری از این تضادها نیازی به "خلقی" و "انقلابی" جلوه دادن ومتحد خلق شمردن جناحی از بورژوازی نیست .

مارکسیست لنینیست ها هیچگاه نمیتوانند به بهانه اینکه ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران ـ بزرگ وابسته به امپریالیسم با قدرت دولتی در کردستان درگیر می شوند ، مبارزات عادلانه خلق کرد را محکوم نمایند ، یا از آن دفاع نکنند .

لنین خود در بررسی جنبشهای رهائی بخش به مواردی اشاره می کند که تحت آن شرایط ممکن است یک قدرت امپریالیستی علیه دیگر قدرت امپریالیستی جنبشهای رهائی بخش را مورد استفاده قرار دهد خاطرنشان میسازد که این امر نمی تواند موجب عدم شناسائی حق تعیین سرنوشت ملل گردد . ومی نویسد :

"این واقعیت که مبارزات آزادیبخش ملی برعلیه یک قدرت امپریالیستی تحت شرایط معین ممکن است بوسیله قدرت "بزرگ" دیگری با منافع امپریالیستی همسان مورد استفاده قرار گیرد ، نباید موجب چشم پوشی سوسیال دمکراسی از شناسائی حق خود مختاری ملل گردد" (لنین انقلاب سوسیالیستی وحق ملل در تعیین سرنوشت خویش) .

درکردستان نیز شرایط خاصی پدید آمده است که تضاد بین ارتجاعی ترین محافل سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم وبورژوازی متوسط به درگیریهای حاد کشیده شده است ولی این امر نمی تواند پرده برروی مبارزات عادلانه وحق طلبانه خلق زحمتکش کرد افکند . وماهیت مترقی وعادلانه جنبش مقاومت خلق کرد را تغییر دهد .

این محافل ارتجاعی نه تنها علیه قدرت دولتی بلکه همچنین علیه نیروهای انقلابی درمنطقه وارد عمل شده اند ودشمن غدار خلق کرد بشمار می آیند . صف آنها از صف نیروهای انقلابی وجنبش مقاومت خلق کاملا" متمایز وجداست . آنها علیرغم درگیریشان با قدرت حاکمه در مقابل جنبش حق طلبانه خلق کرد قرار دارند وعلیه آن اقدام می کنند .

ماضمن آنکه پالیزبانها ، اویسی ها ودیگر محافل ارتجاعی وابسته به سرمایه داران بزرگ را دشمنان ـ خلق کرد وهمه خلقهای ایران میدانیم وقاطعانه علیه آنها نبرد می کنیم ، سرکوبگران خلق وسایر زحمتکشان ایران را دوست ومتحد خود نخواهیم شمرد وصف انقلاب وضدانقلاب را مخدوش نخواهیم ساخت .

> آنها نمی گویند که کارگران ، وزحمتکشان کرد ، پیشمرگه های فدائی و ... با چه کسانی وبا چه هدفی مبارزه می کنند وآیا این اهداف انقلابی ومترقی است یا ارتجاعی وضدانقلابی که آنرا بسود جنبش ضدامپریالیستی نمی دانند .

با اتکاء به نیروی توده ها برای استقرار صلح عادلانه درکردستان بکوشیم

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۸ ـ صفحه ۸

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

درسهائی که باید از قیام ...

بقیه از صفحه ۱

تهدید کرد که اگر این اختیارات به او داده نشود از نخست‌وزیری استعفا خواهد داد.

شاه دیگر مرتجعین و عوامل امپریالیسم که منتظر فرصت بودند، استعفای مصدق را پذیرفتند و نوکر سرسپرده امپریالیسم انگلیس قوام السلطنه را به نخست‌وزیری انتخاب کردند. انتخاب قوام به نخست‌وزیری که خیانت‌هایش برای همه مردم آشکار شده بود، موجی از اعتراضات مردم را برانگیخت. فراکسیون ملی به رهبری آیت الله کاشانی روز سی‌ام تیر را اعتصاب عمومی اعلام کرد. جبهه ملی متعاقب آن اعلام اعتصاب نمود. اعلامیه جبهه ملی توسط حسیبی از رادیو نیز خوانده شد. نیروهای چپ نیز شرکت خود در این اعتصاب اعلام کردند.

روز سی‌ام تیر ماه علیرغم تاکید کاشانی و جبهه ملی که مردم را به اعتصاب آرام و بستن مغازه‌ها و نرفتن بسر کار و ماندن در خانه‌ها دعوت کرده بودند، توده عظیمی در خیابانها براه افتاد. و در برخی میدانها مردم مجسمه شاه را پائین کشیدند. نیروهای نظامی که از حرکت مردم به وحشت افتاده بودند به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. درجریان درگیریهای این روز تعدادی از نیروهای انقلابی ارتش از شلیک بسوی مردم خودداری کردند و در خیابان شاه‌آباد افسری از تانک بیرون آمد و پس از رکندن درجه‌هایش گفت: "من حاضر نیستم بر روی برادرانم آتش بگشایم". و به مردم پیوست.

شعارهای ضد دربار و شاه توسط نیروهای چپ به میان مردم برده میشد و جناح راست جبهه ملی (طرفداران کاشانی) با این شعارها مخالفت میکردند. گسترش دامنه تظاهرات امپریالیستها و دربار یان را متوجه ساخته بود و بالاخره پس از کشته شدن بیش از هفتاد نفر عصر روز سی تیر دربار عقب نشینی کرد و بازگشت مصدق را پذیرفت. مصدق که این بار با نیروی توده‌ها پست نخست‌وزیری را بدست آورده ـ بود موقعیتش مستحکم‌تر شد و در گیریهایش با مرتجعین حادتر گردید.

قیام سی تیر و نتایج آن یک پیروزی سیاسی برای مردم در مبارزات ضد امپریالیستی شان بشمار میآید. با این پیروزی جنبش ضد امپریالیستی یک گام به پیش برداشت و جهت متکاملتری یافت.

رشد و تکامل جنبش ضد امپریالیستی و گسترش مبارزات توده‌ای عناصر سازشکاو محافظه کار را بوحشت انداخت. جناح راست جبهه ملی به رهبری آیت الله کاشانی که تا آن زمان در کنار نیروهای ملی و ضد امپریالیست قرار داشت، تغییر موضع داد و به دشمنی با مصدق و مقابله با جنبش ضد امپریالیستی پرداخت.

کاشانی دولتی در دولت مصدق ایجاد کرده بود. خانه وی در پامنار از وزارتخانه‌ها هم فعالتر می‌نمود و هر روز دهها توصیه به وزارتخانه‌ها میفرستاد. با شدت گرفتن اختلافات مصدق و کاشانی مصدق دستور داد توصیه‌های آقا را جمع کنند. اختلافات کاشانی و مصدق به اوج خود رسید. کاشانی، علنا برای سرنگونی مصدق با مرتجعین متحد شد. کاشانی در خانه خود و در حضور طرفدارانش قسم خورد که حتی اگر قرار باشد با امپریالیسم انگلیس همکاری کند، مصدق را سرنگون خواهد کرد. دیگر عناصر فرصت طلب نظیر دکتر مظفر بقائی، مکی حائری‌زاده، عبدالقدیر آزاد و... که تا قبل از سی تیر با مصدق همراهی نشان میدادند و پس از این تاریخ به دشمنی با مصدق پرداختند علت اساسی جدائی این رجال دست راستی جبهه ملی از مصدق به خاطر گسترش موج مبارزه و رشد توده‌ای آن بود.

پس از قیام سی تیر صف بندی نیروها تغییر کرد و بعلت رشد تکامل جنبش، جناح راست جبهه ملی (نمایندگان بورژوازی بزرگ) از صف مردم جدا گشتند و با فئودالها و کمپرادورها متحد گردیدند و در برابر جنبش قرار گرفتند. اما مصدق علیرغم در پیش گرفتن شیوه‌های پارلمانتاریستی و روشهای مماشات طلبانه همچنان به آرمانهای ملی خویش وفادار ماند و هر چند قاطعیت لازم را نداشت و نتوانست پاسخگوی ضرورتهای عصر خود باشد.

حزب توده که بعلت اپورتونیسم ریشه‌دار خاکم به رهبری و صفوف حزب فاقد خط مشی پیگیر انقلابی بود، از شناخت موقعیت و شرایط حساس بازماند.

حزب توده تا قبل از سی تیر مصدق را عامل امپریالیسم قلمداد میکرد و روزنامه‌های حزبی مصدق را مورد حملات شدید قرار میدادند.

روزنامه بسوی آینده در شماره‌های ۳۲۷ و ۳۳۱ و ۳۳۹ در مورد مصدق چنین نوشت:

"دولت دکتر مصدق با پیروی محض از امپریالیسم امریکا راه خیانت و سازش با شرکت نفت جنوب را در پیش گرفته است." و "دولت دکتر مصدق به کجا میرود؟ بجانب اطاعت کور کورانه از امریکا و گرنه چرا مملکت را به امریکا میفروشد." و "سازش ننگین مصدق و جبهه ملی در ـ مسئله نفت مورد نفرت شدید ملت ایران است".

حزب توده که چنین ارزیابی نادرستی از ماهیت دولت مصدق داشت، پس از سی تیر ناگهان با تغییر صد و هشتاد درجه در موضع گیریها و سیاست هایش عملا "به دنبالروی از مصدق تن داد. و به انتقاد از دولت مصدق بسنده کرد.

حزب توده در شرایطی حساس که می‌بایست با سازماندهی مبارزه انقلابی توده‌ها و رشد و تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی به مقابله با ممانعات طلبی مصدق و خطرات احتمالی آن بپردازد. در پی برگزاری جشنهای مختلف بود و در نتیجه این سیاست در مقابل کودتای ۲۸ مرداد نتوانست حرکت انقلابی توده‌ها را جهت مقابله با کودتا سازماندهی نموده و رهبری کند و عملا" در برابر کودتا مات شد و آن چنان ضربه‌ای را به جنبش تحمیل کرد که طی یک دوره طولانی جنبش ضد امپریالیستی را به شکست و ناکامی کشاند.

بدون شبهه در سهائی که از قیام سی تیر میتوان گرفت فراوانند، امانیروهای سیاسی بنا به ماهیت طبقاتی و زاویه نگرش‌شان در سهائی که از این تحولات تاریخی می‌گیرند، متفاوت است.

رهبران احزاب جبهه ملی که امروز بعلت تلاشی پایه‌های اقتصادی بورژوازی ملی، مأمن و مسکن نمایندگان بورژوازی متوسط وابسته و حتی بورژوازی بزرگ گردیده است، میکوشند از وجهه ملی دکتر مصدق و مبارزاتش سود جسته، و اقدامات ضد انقلابی خویش را در جهت بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته، ملی و انمود سازند. در جریان قیام خونبار توده‌های میلیونی، بختیار که تن به نوکری امپریالیسم داده بود، اعلام کرد که ادامه دهنده راه مصدق است و با تاکید روی این نکته، در جهت تحمیق و فریب توده‌ها دادسخن می‌داد.

ماهیت واقعی امثال بختیار که با سلطنت نیز سازش کردند در پیشگاه توده‌ها بر ملا شد. اما هنوز ماهیت ضد انقلابی دیگر رهبران جبهه ملی به تمامی برای توده‌ها فاش نگردیده است و هم از اینرو است که این آقایان ماسک ملی بر چهره زده و میخواهند خود را ادامه دهنده راه مصدق قلمداد نمایند. و سعی دارند با فریب توده‌ها، کوششهای باصطلاح ـ "لیبرالی" خود را در جهت بازسازی سیستم ضربه خورده سرمایه داری وابسته، همطراز اقدامات ملی دکتر مصدق معرفی کنند و با چنین قصدی به توهم "دولت ملی" در میان توده‌ها دامن می‌زنند.

حال آنکه امروز آنان دیگر نه نمایندگان بورژوازی ملی بلکه نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتا "متوسط") می‌باشند.

سران حزب جمهوری اسلامی نیز به سبک و سیاق خود، قیام سی تیر را بررسی می‌کنند و علت شکست دولت مصدق را مالیت گرایی وی می‌دانند. آقای بهشتی در اجتماع مردم نجف آباد میگوید:

"اما آنچه به دنبال این قیام خونین بدست می‌آمد، بازگشت دکتر مصدق بود، بعنوان حکومت ملی بر سرکار. بنابراین بازمحور چی بود؟ ملیت، با قیام ۲۹ و ۳۰ تیر در شهرهای مختلف ایران، دکتر مصدق بار دیگر نخست وزیر شد. و در این نوبت می‌بینیم که حتی همین روحانیت مبارز آرام آرام از صحنه باید کنار برود و تا دوم آثار قیام خونین ۲۹ و ۳۰ تیر در شکل یک حکومت ملی به جلو می‌رود."

لابد منظور آقای بهشتی از کنار رفتن روحانیت مبارز، کنار رفتن امثال کاشانی‌ها است که مصدق دستور داد توصیه‌های وی را جمع کنند؟

شاید بنظر آقای بهشتی همکاری آشکار کاشانی با مرتجعین، فئودالها و کمپرادورها اشکالی نداشته است. ولابد کارشکنی‌ها و دشمنی کاشانی با مصدق و همکاری‌اش با نیروهای مرتجع زمینه‌های کودتای ۲۸ مرداد را فراهم ترنکرد؟

البته آقای بهشتی مجبور است چنین تحریفاتی را در تاریخ وارد نماید تا بتواند اقدامات حزب جمهوری اسلامی را در سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و نیز دفاع از سرمایه‌داران و زمینداران را در پوشش دفاع از اسلام مستور دارد.

رهبران حزب توده که مسئولیت شکست جنبش ضد امپریالیستی در سالهای سی را بعهده دارند. برای پوشاندن جنایت‌های خویش علت اصلی شکست تاریخی جنبش ضد امپریالیستی در دهه‌ی سی را نه در فقدان خط مشی انقلابی و پیگیر توسط حزب و نه بالعکس در روی آن از مصدق و مصروف داشتن گرانبهاترین اوقات به برگزاری جشنها و عدم تجهیز و سازماندهی توده‌ها و در پیش گرفتن سیاست تسلیم طلبانه اپورتونیستی توسط رهبری حزب، بلکه در تمکین نکردن مصدق به وحدت وی نیروها و سیاست عدم وحدت وی میدانند. بدین ترتیب بار "گناه" شکست جنبش را بردوش مصدق می‌اندازند.

اپورتونیست‌های "کمیته مرکزی" نیز به نوعی دیگر از قیام سی تیر و پی آمدهای آن درس می‌گیرند. آنها برای توجیه نظریات انحرافی و تسلیم طلبانه خویش و ملی و مترقی جلوه دادن ماهیت کنونی حاکمیت، آنرا دارای ماهیت مصدق مقایسه می‌کنند. آنها در این قیاس تاریخی خویش به این مسئله اساسی توجهی ندارند که امروز وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی و شرایط مبارزه طبقاتی تفاوتهای چشمگیری با شرایط آن دوران دارد. اگر در آن زمان ساخت اقتصادی ـ اجتماعی جامعه ایران، نیمه فئودال نیمه مستعمره (فئودال ـ کمپرادو) بود و بورژوازی ملی از قدرت و توان اقتصادی برخوردار بود و مصدق نماینده بورژوازی ملی بود. امروز مناسبات سرمایه‌داری وابسته حاکم شده و بورژوازی ملی مضمحل گردیده و قطب بندی طبقاتی نوینی شکل گرفته است.

اگر مصدق با تصویب لایحه به نخست‌وزیری رسید، حاکمیت کنونی با قیام مسلحانه توده‌ها و با سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه بر تخت نشسته است و شرایط مبارزه طبقاتی بهیچوجه قابل قیاس با آن دوران نیست و مقایسه ساده اقدامات دولت مصدق با عملکردهای حاکمیت کنونی، نمیتواند ما را به نتیجه گیریهای صحیح درباره ماهیت حاکمیت کنونی رهنمون باشد.

آنان با چنین درکی هنگامیکه آب تطهیر بر سر حاکمیت بورژوائی کنونی ریختند و آنرا خرده بورژوائی و انقلابی وانمود ساختند، از خطر کودتا صحبت کرده و کودتای ۲۸ مرداد را خاطرنشان میسازند و از این مقدمه چنین نتیجه می‌گیرند که برای جلوگیری از کودتا باید به پشتیبانی از حکومت برخاست و از سازماندهی مبارزه انقلابی توده‌ها و مبارزات خلقهای تحت ستم روی برتافت. چراکه بسود مبارزه ضد امپریالیستی نیست و حکومت را تضعیف می‌کند و در اینصورت احتمال پیروزی کودتا بیشتر خواهد شد. منافع آنها ایجاب می‌کند تا فراموش کنند که علت کودتای ۲۸ مرداد چه بود.

براستی علت چه بود؟ تسلیم طلبی و دنباله‌روی حزب توده از مصدق و عدم تجهیز و سازماندهی توده‌ها برای مقابله با کودتا، عدم حمایت و پشتیبانی حزب توده از دولت مصدق؟ جواب این مسئله برای همگان روشن است. تنها اپورتونیستها هستند که با موضعگیریهایشان نشان میدهند از تجربیات تاریخی هیچ نیاموخته‌اند. آنها می‌نویسند: "تنها اگر مردم متحد باشند امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند" و البته منظور آنها از اتحاد "سازش" با هیئت حاکمه است. و بهمین دلیل است که کارگران، دهقانان، زحمتکشان، و خلقهای تحت ستم را از مبارزه انقلابی علیه قدرت حاکمه منع می‌کنند و هیئت حاکمه را بدلیل عدم اتحاد درست تر بگوئیم سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی) سرزنش می‌کنند و نشان میدهند که همچون حزب توده علت اساسی پیروزی کودتای ۲۸ مرداد را فقدان وحدت بین مصدق و حزب توده می دانند و نه دنباله‌روی حزب توده از مصدق و عدم تجهیز و متشکل کردن توده‌ها. چراکه آنها نیز همچون حزب توده به توده‌ها اعتقادی ندارند و به پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی از "بالا" معتقدند و اعتماد به قدرت حاکمه را جایگزین اعتماد به توده‌ها ساخته‌اند. اگر آنها به توده‌ها اعتقاد داشتند می نوشتند "تنها با بسیج توده‌ها و مبارزات خلقهای تحت ستم روی برتافت. چراکه بسود مبارزه ضد امپریالیستی نیست و حکومت را تضعیف می‌کند و در اینصورت احتمال پیروزی کودتا بیشتر خواهد شد. منافع آنها ایجاب می‌کند تا فراموش کنند که علت کودتای ۲۸ مرداد چه بود.

آنها میخواهند مشی حزب توده را بارنگ و لعابی نو و در پوشش تازه بعنوان "مشی پرولتری"! به توده‌ها قالب نمایند. و چنین تبلیغ می‌کنند که گویا از آزمایش دیگر باره این مشی ورشکسته سرفراز بیرون خواهند آمد. گوئی نمیدانند که تاریخ تکرار مکررات نیست!

اگر سیاست دنباله‌روانه حزب توده از دولت ملی مصدق تراژدی بود، دنباله‌روی اپورتونیستهای نوپا از هیئت حاکمه ما هیتا "بورژوائی تنها تکرار کمدی آنست.

بگذارید اپورتونیستها براه خویش ادامه دهند. درسی که مارکسیست ـ لنینیست‌ها باید از آن بیاموزند و بر روی آن تکیه کنند اینست که، یگانه تضمین موفقیت‌ها و پیروزیهای جنبش هر چند که اندک باشد، نیروی لایزال توده‌هاست. تنها توده‌های متشکل و آگاه اند که پاسداران واقعی پیروزیهای جنبش اند.

مارکسیست ـ لنینیست‌ها باید با اعتقاد و تکیه به توده‌های زحمتکش و در راس آنها طبقه کارگر به وظیفه اساسی خویش یعنی ارتقاء مبارزه انقلابی توده‌ها و متشکل کردن آگاهانه نمودن آن بپردازند. این یگانه تضمین است و اینرا نه تنها قیام سی تیر و تحولات متعاقب آن بلکه تجربیات کلیه انقلابات پیروز ضد و شکست خورده به اثبات رسانده است.

کارشناسان وزارت ...

بقیه از صفحه ۲

خارجی بوسیله سرمایه‌داران بزرگ بر آن تاکید بسیار دارد. ولی از پیش معلوم است که در پروسه بازسازی و ترمیم سرمایه‌داری وابسته ایران سرمایه‌داران متوسط تنها یک نقش کمک کننده داشته و در صورتیکه بحران اقتصادی ـ سیاسی کنونی به سرمایه‌داران ایران امکان بازسازی را بدهد نتیجه‌ای جز تسلط سرمایه‌داری بزرگ در بر نخواهد داشت، و از اینرو سیاست بازرگانی خارجی در پروسه خود به تسلط سرمایه‌داران بزرگ خواهد انجامید. بنابراین سیاست وزارت بازرگانی بعنوان یکی از اجزاء سیاست اقتصادی دولت کنونی در جهت تکمیل پروسه ترمیم و بازسازی مناسبات سرمایه‌داری در جامعه خواهد بود اما حزب توده بعلت سیاست اپورتونیستی‌اش چشم بر این واقعیات بسته و هر روز به دولت هشدار میدهد که چرا بازرگانی را ملی نمی‌کنید و چرا دست سرمایه‌داران را از بازرگانی کوتاه نمی‌نمائید.

واقعیات ۱۷ ماهه گذشته و ماههای آینده اگر برای حزب توده و "کمیته مرکزی" آموزنده نیست برای توده‌های مردم ما که گرانی، کمبود کالا، تورم و... را با گوشت و پوست خود درک می‌کنند درسهای بسیار خواهد داشت. توده‌ها درک خواهند کرد که در جامعه سرمایه‌داری هیچ سیاستی هر اندازه که خوش آب و رنگ باشد نمیتواند بمسائل اساسی و نیازهای واقعی آنها پاسخ گوید و تنها با قطع سلطه سیاسی ـ نظامی ـ اقتصادی ـ فرهنگی امپریالیسم این مشکلات حل شدنی است. آنهم از عهده جمهوری اسلامی و سیاستهای بورژوائی آنها خارج است تنها رهبری طبقه کارگر است که میتواند بمسائل توده‌ها پاسخ گوید و در جهت قطع هرگونه وابستگی اقدام نماید.

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۸ ـ صفحه ۹

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

زنان زحمتکش می‌گویند طرح جدید دولت برای گوشت بنفع پولدارهاست

"... گوشت یخ زده قبلا کیلوئی ۱۳ تومان بود حالا کاردنش ۲۵ تومان. درعوض گوشت تازه که کیلوئی ۵۰ تا ۶۰ تومان بود فقط پولدارها میتوانستند بخرند شده کیلوئی ۴۲ تومان، معلوم میشود این دولت طرفدار پولدارهاست وگرنه گوشت را برای ماگران نمیکرد و برای آنها ارزان."

این فریاد دردمند یکی از میلیونها زحمتکش بستوه آمده است که از دهان زن زحمتکش ساکن محله‌ی شمتیه تهران شنیده میشود.

زحمتکشانی که پس از تحمل رنجها و مشقت‌های فراوان ناشی از بیکاری گرانی و کمبود مایحتاج زندگی، قیام شکوهمند بهمن ماه را آفریدند، به رژیم جدید چشم امید بسته بودند تا مگر مشکلات عمیق و ریشه دار زندگی آنها را برطرف سازد. مسکن مناسب فراهم آورد، بیکاری را برانداز د کمبود ارزاق عمومی و ضروریات زندگی را برطرف کند، گرانی را که سالها کمر زحمتکشان را خم کرده بود، ریشه‌کن کند.....

اما هرچه از عمر حاکمیت جدید که با قهرمانی ها و رشادتهای عمیق توده‌های زحمتکش و ستمدیده، بقدرت رسیده بود، گذشت، توده‌های بپاخاسته بیشتر درک کردند که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها مشکلات آنها را حل نمیکند، بلکه با گذشت هر روز این مشکلات عمیق تر و گسترده تر میشود، مشکل دیرینه مسکن حل نشده که هیچ، بلکه پیچیده تر هم شده و خانه گران تر و نایابتر شده است، بجای ایجاد کار برای صدها هزار کارگر بیکار، با برچیدن دکه‌ها و بساط دستفروشان به بهانه‌های واهی مثل حفظ زیبائی شهر و اخراج کارگران و کارمندان بر تعداد بیکاران افزوده شده است. اخیرا "هم دولت طرحی بقول خود انقلابی برای ارزانی گوشت با جرا درآورده است که بقول زنان زحمتکش محله‌های خشمتیه و نظام الملک، ارزانیش برای "پولدارها" است در حالی که برای زحمتکشان که گوشت یخ زده را با هزار زحمت فراهم میکردند، قیمت گوشت تقریبا دو برابر شده است. زیرا طبق طرح دولت، گوشت تازه و گرم از کیلوئی ۵۰ و ۶۰ تومان به ۴۲ تومان تنزل پیدا کرده و گوشت یخ زده از کیلوئی سیزده تومان به بیست و پنج تومان رسیده است.

بدنبال پیاده شدن طرح مزبور، زنان زحمتکش بعضی محلات تهران که بخوبی ظالمانه بودن این طرح را حس میکردند و نمیتوانستند بیش از این گرانی و کمبود و فریب‌های دولت را تحمل کنند، دست به اعتراض زده و خرید گوشت را در محله‌های خود تحریم کردند. زنان آگاه و زحمتکش محله‌های خشمتیه و نظام الملک و نارمک و زرکش، در روزهای اخیر با پائین آوردن کرکره‌های قصابی‌های محل و تحریم خرید گوشت اعتراض خود را نشان دادند. یکی از زن‌های خشمتیه پیرامون قیمت‌های جدید گوشت میگفت: "پیش ترها گاهی میتوانستیم کمی گوشت بخریم ولی حالا کی پول داره کیلوئی بیست و پنج تومان گوشت بخره، گوشت یخ زده قبلا کیلوئی سیزده تومان بود ولی حالا کیلوئی بیست و پنج تومان و درعوض گوشت تازه که کیلوئی پنجاه و شصت تومان بود فقط پولدارها می خریدند شده کیلوئی ۴۲ تومان، پس معلوم میشود این دولت طرفدار پولدارهاست وگرنه گوشت را برای ماگران نمیکرد برای آنها ارزان."

زنهائی که در محله‌های نارمک و زرکش در اعتراض به قیمت گذاری جدید گوشت بحرکت درآمده بودند، از گرانی و کمبود کالاهای ضروری دیگر نیز مینالیدند.

یکی از این زنان می گفت: "شوهرم بیکار است و پسرم درسش را ول کرده و میرود کارگری هفته ای ۳۵ تومان پول میگیرد، ما شش نفر هستیم که توی یک اتاق زندگی میکنیم، ماهی چهارصد تومان هم باید کرایه بدهیم، حالا شما خودتان بگوئید ما میتونیم بیست و پنج تومان پول فقط به یک کیلو گوشت بدهیم؟! خوراکی های دیگر را چکار کنیم؟!"

زن دیگری میگفت: "چه طور شد این گوشت یخ زده که اول حرام بود وبدردکود میخورد یکدفعه اینقدر خوب شده که قیمتش را دوبرابر کردند و برابر کیلوئی بیست و پنج تومان می فروشندش. مثل اینکه همه زورشان بما میرسد وگرنه پولدارها که می توانند هرچقدر گران هم باشد گوشت تازه بخرند معلوم است این دولت هم طرفدار سرمایه دارها است والکی حرف میزند که دل ما را خوش کند ولی دیگر نمیتوانند ما را گول بزنند، ما هم دیگر گوشت نمیخوریم، به تمام زنها گفتیم گوشت نخرند، حالا قصابی ها گوشت هایشان را دمیکند ومجبورند بریزند دور."

بخاطر همین هم هست این روزها کمتر صفی جلو قصابی ها بچشم میخورد، زیرا یا خرید گوشت از سوی زحمتکشان تحریم شده و یا اصلا نمی توانند برای یک کیلو گوشت بیست و پنج تومان بدهند و این درحالیست که روزنامه ها و دستگاههای تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی، از موفقیت اجرای طرح گوشت دم میزنند، قصابها هم از این بابت ناراضی هستند و زیان میبینند اما تقصیری هم متوجه آنها نیست. یکی از قصاب های محله نظام الملک میگفت: "دو روز است که فقط دو کیلو گوشت فروخته ام، هیچ کس نمیخرد، یعنی راستش حق دارند، چون پولش را ندارند، قبلا همیشه یک صف دراز جلو مغازه‌ام بود ولی حالا هیچکس نمیآید گوشت بخرد، هرچی هم بمرکز میگویم جواب میدهند بما مربوط نیست، دولت قیمت گذاشته."

این است برنامه‌ها و طرح های رفاهی که رژیم باصطلاح حامی زحمتکشان درجهت بهبود وضع مردم باجرا میگذارد. طرح ها و برنامه‌هائی که برای سرمایه داران و پولدارها رفاه و آسودگی بیشتر و بیشتر ایجاد میکند و برای زحمتکشان بدبختی و گرانی و مشکل ببار میآورد.

★ ★

یک زن: چطور شد این گوشت یخ زده که اول حرام بود و بدردکود می خورد یکدفعه اینقدر خوب شده که قیمتش را دو برابر کردند؟!

"میثاق وحدت"...

بقیه از صفحه ۱۱

حسینجانی که اعتبارنامه او رد شد، انتقاد از شورای انقلاب و دولت انتقاد کرده اید چرا تا کنون از مجاهدین انتقاد ننموده اید.

بهرحال اگرچه اعتبار نامه نماینده بندرانزلی رد شد ولی اعتبارنامه محمد محمدی نمایندگان (با اینکه موارد اتهام یکسان بود) با پادرمیانی آیت الله لاهوتی (جناح بنی صدر) و کاظم بجنوردی و اعتراف صریح خود آقای محمدی باین موضوع که وی بقانون اساسی رای داده است بتصویب رسید.

طبیعی است درحالیکه اعتبارنامه این دو نفر با این اشکالات روبروست سرنوشت نمایندگی محمد روزبان قبل از درآینده همچنان در بال باطل کردن انتخابات خواهد شد.

ضمنا آقای معادیخواه از حسینجانی سوال میکند شما که از شورای انقلاب و دولت انتقاد کرده اید چرا تا کنون از مجاهدین انتقاد ننموده اید.

بهرحال با توجه به موضع گیری‌های نمایندگان مجلس درطی همین مدت کوتاه علیه نیروهای مترقی و انقلابی که از ماهیت بورژوائی آن ناشی میشود از هم اکنون میتوان موضع آنرا در قبال نیروهای انقلابی و مترقی و توده‌های مردم دریافت. موضع گیریهای اخیر نمایندگان مجلس بوضوح نشان میدهد که نمایندگان فراکسیونهای مختلف بورژوازی علیرغم تضادهای خود، علیه نیروهای انقلابی و مترقی میثاق وحدت بسته اند و این سیاستی است که در آینده همچنان دنبال خواهد شد.

مسجد سلیمان از طرف آقای مهدوی کنی نیز روشن بود.

کار
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۸ ـ صفحه ۱۰

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۵)

اُفول موقت مبارزه کارگران و اوجگیری مبارزات نفتگران

درشماره‌های قبل گفتیم که ماهها قبل ازقیام (شهریورماه ۵۷) باشکل‌گیری اولین اعتصاب همه قسمتهای مختلف پالایشگاه آبادان "کمیته اعتصاب "متشکل ازنفتگران مبارزوآگاه برای هماهنگ‌کردن اعتصاب درقسمتهای مختلف بوجودآمدودرمقابل رژیم شاه‌و نخست وزیرمنتخب امام بمثابه قدرتی اعمال اراده‌کردوحتی درنامه‌ای به کیهان (۵۷/۱۰/۱۰) تقاضای عضویت‌در "شورای‌انقلاب "را کردونیزگفتیم که‌اگرچه‌کارگران وبخصوص نفتگران‌بااعتصاب خودکمررژیم راشکستندولی نتوانستندونمی‌توانستند رهبری مبارزات‌توده‌ها را در دست گیرند. (زیرا ستاد رزمنده‌پرولتاریا، حزب طبقه کارگرآنهارارهبری نمی‌کرد)

بایستی اضافه‌کنیم که‌پس از پیروزی قیام بهمن‌ماه‌وسرنگونی رژیم شاه "کمیته‌اعتصاب پالایشگاه آبادان اداره‌ٔ پالایشگاه‌رادردست گرفت و حتی "کمیته‌پاسداران صنعت نفت "که‌درجریان‌قیام ازکارگران نفت‌وبقصدحفاظت‌وپاسداری‌از این‌صنعت بوجودآمده بودپس ازقیام‌نیزهمچنان‌امرپاسداری‌از پالایشگاه را بعهده داشت (وهمچنان‌نیز بعهده‌دارد. خرداد ۵۹) تغییری‌که‌صورت گرفت این بود که‌ازاوایل سال ۵۸ "شورای کارکنان پالایشگاه آبادان " جای "کمیته‌اعتصاب "راگرفت و اعضای کمیته‌بابرگزیدن‌چند نماینده‌دیگرتعدادنمایندگان شورارازاعتاحداکثر ۱۴نفر (که بسته بشرایط تغییرمی‌کرد) به ۴۶نفرافزایش داد. نکته قابل توجه وحائزاهمیت آنکه اعمال قدرت‌کارگران‌واداره‌پالایشگاه توسط آنها تاحدوداردیبهشت ماه ۵۸ همچنان باقی بود و از این زمان دچارافول قابل توجهی شد.

این پدیده‌به بهترین وجه تسلط ذهنیت خرده‌بورژوازی رادردهن کارگران نشان می‌دهد درحقیقت در اردیبهشت ماه۵۸ باتصفیه مدیران سابق وورودمدیران جدیدمنتخب دولت ومورد تائیدآیت الله‌خمینی، کارگران قدرت خودرادودستی تحویل دولت موقت دادندوخود بمثابه‌قدرتمندی‌که‌قدرتش را تفویض کرده‌آنگاه‌دست‌احتیاج بسوی قدرتمند صاحب‌قدرتش درازکرده‌است‌وازاواستمداد می‌طلبد، روبسوی‌دولت داشتند وجزئی‌ترین وابتدائی‌ترین لحوقوشانرا تقاضامی‌کردند.

واین‌سرانجام هرارگان اعمال حاکمیتی در (شورا) است که‌روندتکاملیش راطی‌نکند و نمایندگان انقلابی‌ترین طبقه جامعه (پرولتاریا) رهبری‌آن‌را دردست نداشته‌باشد و یا سیاست مستقل پرولتاریا برآن حاکم‌نباشد.

اگربخواهیم از سازمان انقلابی‌توده‌ٔ نفتگران درماه های اول بعدازقیام صحبت کنیم بایدبه‌دوشکل‌سازمان که‌درآنزمان می‌توانستند موجود باشندوتاحدودی‌هم عملاً موجودبودند، توجه‌کنیم شوراوسندیکا جالب آنست‌که اولا "درنفت‌همان سندیکاهای دوران‌شاه‌باهمان نمایندگان‌تا مدتهابعدازقیام باقی‌ماندند و ثانیا "پیشروان‌صنعت‌نفت ـ بخصوص تهران ـ مکررا از شعار "ایجادسندیکای‌مستقل" حمایت کردندوبتصورخود با تبلیغ این شعاراولا " علیه "سندیکای مشترک‌کارکنان پالایشگاه "مبارزه‌می‌کردند و میکوشیدندغیرطبقاتی بودن آن را (سندیکای مشترک کارمندان وکارگران) موردحمله قراردهند وثانیا " تشکل مستقل پرولتاریارا (!) تدارک می‌دیدندتشکلی‌که‌شامل حال همه‌کارکنان‌نشودوفقط‌کارگران رادربرگیرد. این درک پرولتری (!) ودرحقیقت انحرافی‌آنها ازشورا (یعنی اینکه‌شورابعلت‌آنکه همه کارکنان‌رادربرمی‌گیرد، "غیر پرولتری‌ولیبرالی " (!) است بخصوص درتهران‌تامدتها بعد (اواخرتابستان) باقی میماندو دراین‌زمان است که‌جای‌خود رابه‌شورابمثابه‌ارگان‌مبارزاتی (هم سیاسی وهم‌اقتصادی) و پیشروان‌وتوده‌ٔ کارگران‌بود) اداره‌ٔ پالایشگاه‌رابعهده‌دارد، درمهرماه‌شعارایجاد سندیکاتبلیغ می‌شود، آنهم در زمانی‌که‌دقیقا "توده‌های‌مردم که‌ازفوت‌آیت‌الله‌طالقانی متاثرشده‌بودندبدفاع همه جانبه‌ازشوراپرداخته‌بودندو مسلم‌است‌که‌بدلیل همین عدم‌انطباق‌شعارباشرایط (هم ذهنی‌وهم عینی) جاذبه‌یی نداشت‌وبه‌نیروی‌مادی‌بدل نشد.

تشکل‌توده‌ای‌دیگرموجود درین‌زمان (ماههای‌اول بعداز قیام تااواخرتابستان) همان "سندیکای‌مشترک‌کارکنان‌نفت" است که پروسه‌تحول‌خودرا بسوی زوال‌ونابودی‌طی‌می‌کرد. مختصری‌به‌تحول‌این‌سندیکا بپردازیم:

اواسط آبانماه۵۷ بودکه در اجتماع کارگران‌درسالن غذاخوری پالایشگاه‌بعلت اعتصاب، یکی ازکارمندان پیشنهادتشکیل "سندیکای مشترک" راداد پیشنهادمورد استقبال کارمندان‌قرارگرفت و کمیته‌مشترکی مرکب از۲۰ نفر تشکیل شدتااعتصاب رارهبری کند، همانجاقرارشدکه بمدت ۴۸ساعت درپالایشگاه‌متحصن شوند، همانشب کارگران ضمن راهپیمائی درپالایشگاه‌شروع به دادن شعارکردندواولین‌شعار های انقلابی رامطرح نمودند "نفت راکی‌بردآمریکا، پولش راکی‌خورد پهلوی، مرگ‌براین حکومت پهلوی" وتمام عکس های شاه‌رادرتمامی‌کنترلهای پالایشگاه پاره‌کردند.

اعتصاب همچنان‌ادامه داشت وجلسات محرمانه در خانه کارکنان‌مبارزوازجان گذشته‌که‌عضوکمیته ۲۰نفری بودندادامه‌داشت. سندیکای مشترک، توده کارگران را درراهپیمائی، تظاهرات و تحصن رهبری می‌کردوچندبار افرادمبارزسندیکادستگیر و آزادشدند. پس ازقیام بهمن ماه گروهی فرصت طلب از جو ضدکمونیستی ایجادشده‌توسط حاکمیت سیاسی استفاده‌کردند وشروع به‌سمپاشی علیه‌نیروهای مترقی وانقلابی‌کردند. دراکثر قسمتهای شرکت نفت تهران طرح‌تجدیدانتخابات‌برای تصفیه عناصرچپ صورت‌گرفت

وبعلت غالب بودن‌جوضد کمونیستی اکثریت انتخاب شدگان راعناصرسازشکاروپیرو بی‌چون وچرای دولت تشکیل دادند. با ورودابن‌عده‌بوروز دودستگی درمیان‌نمایندگان سندیکای مشترک (اعضای انجمن اسلامی‌ولیبرالها) اکثریت کارکنان پیشروانقلابی دست ازفعالیت کشیدند سندیکای مشترک باترکیب جدیدی شروع بکارکردونام خودرا "سندیکای مشترک کارکنان صنایع نفت ایران گذاشت وتاحدود دوماه‌درسطح پالایشگاه تهران فعالیت‌می‌کرد دررای گیری که‌درمورد قبول یاعدم قبول سندیکای‌مشترک صورت گرفت، باوجودتحریم انتخابات توسط کارکنان‌قسمت پروسسودیگرکارکنان رای‌گیری صورت گرفت (۱۷۱مخالف و ششصدموافق) وسندیکای مشترک باترکیب کاملا "جدیدی کارخودراشروع‌کردواسم خود را نیز عوض کردونام "سندیکای کارکنان پالایشگاه‌تهران" به تصویب جمع رسید. بعلت مبارزه‌قدرتی که‌دردرون‌سندیکا درگرفت سه‌نفرازنمایندگان (جمعا " ۱۲نفربودند) ازبقیه جداشدندوهمان نشریه‌سابق را بانام "سندیکای‌مشترک‌کارکنان صنایع نفت‌ایران" منتشر کردند. این افرادسعی‌کردند ازنام‌این ارگان‌برای‌مقاصدخود استفاده‌کنند. کارگران‌و کارمندان مبارزپالایشگاه‌تهران بتدریج دریافتندکه‌این‌افراد تلاش می‌کنند ازسوابق آنها (نام‌وروزنامه) جهت رسیدن بامیال خوداستفاده‌کنند، بنابراین مبارزه‌ای جدی‌با آنها شروع‌کردندوباتشکیل شوراهای‌کارکنان درقسمتهای مختلف پالایشگاه تهران، موجودیت سندیکای مشترک کارکنان پالایشگاه تهران را موردسوال قراردادند. اعلام حمایت سندیکاازتیمسارمدنی (درانتخابات‌ریاست‌جمهوری) آخرین ضربات راهربیکر این سازمان واردساخت وآن را از مدارخارج‌کرد.

بایستی اضافه‌کنیم که‌دراواخر شهریورماه‌درحالی که مبارزه کارگران بعلت تهاجم به کردستان ونقض حقوق وآزادی های دموکراتیک ودیگر دستاوردهای قیام، روبه‌افول گذاشت، نفتگران قهرمان در اکثر قسمتهای پالایشگاه‌در "شوراهای قسمتی " متشکل شدند، وسپس "شورای‌پروسس ، "شورای‌تعمیرات "و "شورای متحدین "درشورای هماهنگی پالایشگاه‌تهران‌متشکل‌شدند.

بعلاوه درهمان ماه "شورای کارکنان ادارات ـ مرکزی وشرکتهای وابسته " تشکیل جلسه داد. اگر چه‌در ابتدابامقاومت وجنجال گروه فشارانجمن اسلامی روبروشد، ولی بالاخره‌کارگران‌آگاه توانستندمحیط جلسه را آرام کنندوجلسه راپیش‌ببرند. در پایان قطعنامه‌ای صادرشد.

درین جلسه توافق شد که شورای کارکنان صنعت نفت مرکب ازنمایندگان کل‌کارکنان صنعت نفت (کارگروکارمند) با انتخاب هرنماینده برای هزار نفرتشکیل شود. باتوجه‌بتعداد کل کارکنان که ۶۵هزارنفر بودند تعدادنمایندگان۶۵ تا ۷۰ نفرمیشد. بهمین دلیل نمایندگان حاضردرجلسه که‌در واقع رای ۸۳۰۰/نفرکارکنان ادارات مرکزی وشرکتهای وابسته راداشتند، بااکثریت آراء تصمیم گرفتند ازمیان خود ۸ نفرابرای شرکت در شورای سراسری کارکنان‌صنعت نفت انتخاب کنند.

این حقایق بخوبی نشان میدهدکه مبارزه پرولتاریای آگاه ومبارز، بصورتی مستقل و فارغ ازافت وخیزهای جامعه ادامه می‌یابدوتاثیراتی بمراتب کمترازمبارزه‌پرولتاریای‌ناآگاه ازجو حاکم برجامعه می‌گیرد.

ازتشکل های توده‌یی موجود درآن زمان که بگذریم، در رابطه باسازمانهای انقلابیون حرفه‌ای باید بگوئیم که‌اولا ": هیچیک ازسازمانهاوگروهها ی موجودهدایت ورهبری‌مبارزه‌ٔ نفتگران رادراختیارنداشتندو دقیقا "بهمین دلیل هم بودکه بعلت اهمیت خاص نفت‌در اقتصادکشور، می‌توان بجرات گفت که همه‌گروهها‌وسازمان‌ها واحزاب (!) روبسوی‌خوزستان و بالاخص آبادان نهادندوبقصد پیوندباپرولتاریای پیشرفته صنعتی انرژی‌خودرابمیزان زیادی درآن جامتمرکزکردند. ثانیا ": همین عدم پیوند با نفتگران وضعف تئوریک‌سازمان هاوگروههادرپاسخگوئی به مسائل آنها، این سازمانها را بدنباله‌روی ازحرکات خودپوی نفتگران میکشاندوآنهارابه جنبش تریدیونیستی تبدیل می‌نمودواین خودجلوه‌ای دیگر ازبروزاکونومیسم حاکم بر جنبش بود.

اعلام نظر

پیشروان کارگران پیشرو پروژه‌ای آبادان

پیرامون تحولات اخیر در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

"حولانی که‌اخیرا "در "سازمان چریکهای‌فدائی خلق‌ایران" روی‌داد. دربطن‌خودواقعیتی حامل‌دو خصلت‌اساسی رابه‌نمایش‌می‌گذارد. این‌واقعیت‌اریکوزایش‌مبی انقلابی سازمان چریکهای‌فدائی خلق ایران رابه‌روشنی‌نشان‌میدهد، وازسوی‌دیگربه‌فضای‌اپورتونیست‌راست حاکم‌بر "کمیته‌مرکزی "مسردارد. این‌دوخصلت‌که‌ریشه‌دردوبینش‌اساسا "متفاوت‌دارند‌دوخط مشی‌متضادرادرمیان روی‌ما قرارمیدهند. وضرورتا " انتخاب آگاهانه‌ای‌راکه‌مبتنی برمصالح‌پرولتاریا باید‌ازما مطلبند‌حراکه:

"امروزمسئله‌یکه‌اساسا "سبب‌جدائی این‌دوخط مشی شده‌است‌همانا منافع طبقه‌کارگر، منافع جنبش مقاومت خلق‌کردوترکمن‌و... منافع دهقانان‌وتوده‌های‌رحمکش‌وستم‌دیده‌ٔ میهن‌ماست. آری، امروز جدائی مابرسرتعیین دوستان‌ودشمنان‌طبقه‌ٔ کارگروستان‌دادن‌آن‌به‌توده‌هاست. مسئله‌برسرتبعیت سیاسی، تشکل وهدایت توده‌هاست‌مسئله‌برسراینست‌که‌آیا در پرتو کدام‌تئوری ودرچه‌کرانه‌ای ازمکتب‌کمونیسم پرولتاریائی خط مشی ایورتونیستی ودامن‌زدن‌به‌توهم توده‌ها‌ودنباله‌روی ازجنبش خود بخودی ازسوی‌دیگراست."

(نقل‌از ـ کار ـ ۶۳ ـ اختلافات‌ما‌ومسئله‌اساسی)

آری، دیگروافعا "نمی‌توان‌به‌کمابیش معتقدبود که‌ازطرفی خودرا "فدائی‌خلق" بینامیدوازطرف‌دیگر با مصالح‌پرولتاریابی‌اعتنابود. دیگرآن‌لحظات‌بوری‌فرارسیده‌است که‌هواداران‌راستین‌طبقه‌کارگربایستی جایگاه‌حقیقی‌خودراهرچه‌سریعتربرگزینند.

ایورتونیست‌راست‌حاکم‌بر "کمیته‌مرکزی " ازهمان‌ابتدای‌تاسی، در مبارزه‌ٔ ایدئولوژیک‌علیه‌امکانات خودراجهت به‌انحراف‌کشاندن‌این‌مبارزه‌بسیج‌کرد. آنها علیرغم‌اینکه‌بحوبی‌میدانستندکه‌تشکل رفقای سازمان، نه‌محول‌بینش گذشته‌ملکه‌جهت‌باسخگوئی به‌ضرورتهای‌مبرم‌وبالفعل امروزجنبش کمونیستی بوده‌است امافرصت‌طلبانه‌کوشیدندتااین‌تشکل‌رابه‌بستر گذشته‌سازمان‌منتسب سازند. درمقطع کنونی این‌تاکتیک‌انحرافی نوانسته‌است‌باحدودمعینی‌موثرواقع شود. اما‌ایورتونیستها‌بدانندکه‌نمی‌توان برای همیشه‌هواداران‌رادرتوهم‌وبیخبری‌نگاه‌داشت.

ایورتونیست هاکه‌سقوط لحظه‌بلحظه تشکیلات‌رابه‌قعرجزیره‌کاری واژهم‌گسیختگی به‌چشم خویش مشاهده‌کنند، بجای‌سودجستن‌ازاصول‌مارکسیست لنینیست جهت باتحکیم‌تشکیلات، سعی‌درباز سازی، دورتئوری وحرکت‌براساس توهم‌توده‌های‌تشکیلاتی داشتند.

امروزما به‌سیاحط سی انقلابی سازمان چریکهای‌فدائی خلق‌ایران‌راآگاهانه‌بذیرفته‌ایم، بلکه‌باوقوف کامل به‌ایورتونیست‌بودن "کمیته‌مرکزی "برای‌افشاء وانزوای آن، تسهیم ودرحد توان خودخواهیم کوشید تا‌اینبار درجهت تحقق بخشیدن به‌آرمان‌های طبقه‌کارگر.

بخشی ازکارگران پیشروپروژه‌ای آبادان

۲۵/۴

رهبری طبقه‌کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی ـ دموکراتیک خلقهای ایران است

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم-شماره ۶۸-صفحه ۱۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کار

"شورای اسلامی کارکنان پخش"

حکم خلع معین فروزیر نفت را صادر کرد

بورژوازی از همان آغاز پیدایش شوراها، این ارگانهای خود جوش کارگران، عدم تحمل خود را بوضوح نشان داد. او همواره و در تمام این مدت طولانی دوساله این سوال را مطرح کرد که یا من (مدیریت من، اراده و اداره و کنترل من) یا شورا (اراده کارگران، اداره و کنترل کارخانه توسط آنان). و بواقع هم اگر توان آنرا داشت و اگر می‌توانست یک لحظه هم موجودیت شوراها را تحمل نمی‌کرد، یک لحظه هم در درهم شکستن و نابود کردن آنها درنگ و تامل نمی‌کرد. و همچنان که نکرد و در هر لحظه که ذره‌ای احساس قدرت می‌کرد، لحظه‌ای از درگیریهای درونی خود فارغ میشد، لحظه‌ای احساس همگونی و وحدت درونی می‌کرد، تهاجم بشوراها، این دستاوردهای قیام شکوهمند بهمن ماه را آغاز می‌نمود. و در مقابل پرولتاریا نیز، با آن سطح پائین آگاهی، با آن سطح پائین پیوند با روشنفکران انقلابی و با همه انحرافات حاکم بر جنبش کمونیستی که نه تنها به ارتقاء مبارزاتی پرولتاریا خدمت نمیکرد بلکه بدفعات آنرا بقهقرا می‌برد، بطور غریزی در مقابل یورش و تهاجم بورژوازی مقاومت کرده است و از دموکراسی نوع جدیدش، از شوراهای کارخانه‌اش دفاع کرده است و با وجود تمام افت و خیزها و سیر عمومی عقب نشینی همچنان "شوراها" را حفظ کرده است و حتی پاره‌ای موارد پیش تاخته است.

تازه‌ترین موج تهاجم بشوراها، همچنانکه در شماره ۶۵ "کار" خاطرنشان کردیم، بهره برداری از خواست برحق کارگران و توده‌های رزمنده در قیام بهمن ماه، یعنی تصفیه و پاکسازی عناصر و عوامل رژیم شاه و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم بوده است. بدین ترتیب که بر بستر این خواست (که ریشه‌های عمیق در آرمانخواهی خلق ستمدیده ما دارد) و در پی ماه‌ها طلب اجرای آن توسط توده‌ها از حاکمیت (بدلیل همان توهمات آنها نسبت به حاکمیت). بالاخره بورژوازی شعار توده‌ها را گرفت، کمیسیون‌های تصفیه و پاکسازی را منصوب کرد و به تصفیه و پاکسازی پرداخت. در ابتدا عده‌ای از وابستگان رژیم سابق و سواکی‌ها را معلق کرد و یا اخراج نمود و سپس نوک حمله خود را متوجه مبارزین و انقلابیون و نیروهای مترقی در درون واحدهای تولید، ادارات و غیره کرد. جنبش کارگری و کارمندی با لاخص در چند ماه اخیر مملو از مواردی از این نوع است: وهر فردی بمحض آنکه کمی دقیق‌تر با طرافش بنگرد بعلت وفور موارد نمونه‌های متعددی از آنرا می‌بیند: (نفت، برق، آب، ماشین‌سازیها، فولاد و غیره).

تهاجم به شوراهای نفت، نیز از جمله این موارد است:

ما همه مبارزه نفت گران برای تصفیه و پاکسازی شرکت ملی نفت که مملو از کارگزاران امپریالیست و مهره‌های استخباراتی روپرتجربه‌اش می‌باشد، اگرچه به موفقیت‌هایی نایل آمده بود اما شیوه‌های اداری و حرکت لاک پشتی و عدم قاطعیت آن در برخورد با عوامل رژیم سابق (که از جانب مقامات عالیه دولتی تائید و حمایت میشدند) نمی‌توانست آرمانهای پرولتاریی نفتگران را اغنا کند. این بود که بالاخره پرولتاریای پیشرو و صنعت نفت عزم به اعمال مستقیم اراده گرفت و شورای اسلامی کارکنان پخش (که نماینده حدود دوازده هزار کارکنان پخش است) واردعمل شد و در تاریخ ۵۹/۴/۱۵ تشکیل مجمع عمومی داد و حکم تعلیق و پاکسازی ده تن از مدیران عالی و روسا" را بشرح زیر به تصویب رساند:

۱- قباد فخیمی مدیر پخش و خطوط لوله
۲- ابوالقاسم سهرابی معاون امور مالی و اداری پخش.
۳- محمدرضا کتابچی رئیس مهندسی.
۴- مجید سلیم‌زاده رئیس امور عملیات شهرستانهای پخش
۵- غلامحسین البرز رئیس منطقه
۶- رضا بهشتی مآل رئیس تدارکات
۷- امین اعلای رئیس کل بازرگانی پخش
۸- عنایت خدا سعیدوش رئیس حمل و نقل و نفت بری
۹- کیوان رکنی رئیس پخش اصفهان
۱۰- محمود قائم مقامی رئیس سرویس‌ها و خدمات

آقای معین فروزیر نفت و عضو شورای انقلاب با اطلاع از اقدام نفتگران با ردیگر موضع ضدکارگری خود را نمایش گذارد و طی بخشنامه مسی در روز ۵۹/۴/۲۲ حکم تعلیق ده نفر از اعضای "شورای اسلامی پخش" را به اساسی زیر صادر کرد:

۱- شمس الله رقمی کارگر
۲- کیومرث نجم آبادی کارگر
۳- علی اصغر حیدری مقدم کارگر
۴- بهمن بورنور کارگر
۵- علی اصغر کمره‌یی کارگر
۶- شمس الله شیدایی کارگر
۷- محمد مهدی اسلامی کارگر
۸- ناصر منوچهری کارمند
۹- عبدالکریم‌ها شمسی مرغزاری کارمند
۱۰- علی ذوقی کارمند

وسپس طی مصاحبه‌ای اختصاصی با روزنامه جمهوری اسلامی (در شماره ۳۲۶ مورخ ۲۶ تیرماه آن روزنامه چاپ شده است) علت اقدام خود را چنین توضیح داد:

"... بعد از سخنرانی اخیر امام که برای روحانیون سخنرانی را ایراد فرمودند و دستور دادند که به هیچوجه نباید این دستجات اعمالی را انجام دهند که به انسجام امور و نظم کارها لطمه بخورد ما زهم اینها از اعمال سوء خود شان دست برنداشتند..."

"ما به اینها گفتیم که هر مطلبی دارید بدهید به کمیسیون پاکسازی... ولی اینکه خود آنها مستقیما، مستقلا و راسا اینکار را بکنند شورای انقلاب دستور بما داده و رئیس جمهور صراحتا گفته است که این اعمال را جلوگیری کنید... ما کسانیکه مسبب این توطئه‌ها بودند، آن ده نفری که مسبب این توطئه بودند معلق کردیم..."

"شورای اسلامی کارکنان پخش که واقعا هم مستقیما، مستقلا و راسا و پس از ما یوس شدن از اقدامات کمیته پاکسازی و رفع نسبی توهماتش نسبت به شورای انقلاب و رئیس جمهور دست به این اقدام انقلابی زده بود، به آقای معین فر طی "اطلاعیه‌ای" پاسخ داد و در آن نه تنها حکم تعلیق دیرانورسا و بازگشت همکاران را خواست بلکه گامی اساسی در جهت اعمال اراده کارگران و نمایش اعمال اراده مستقل آنها برداشت و معین فر را از وزارت نفت خلع کرد." با توجه به مراتب فوق شورا با کمال قدرت و طبق وظیفه شرعی و همگام با سایر ارگانهای اسلامی صنعت نفت ضمن خلع شما از وزارت نفت بخشنامه فوق الذکر (مبنی بر تعلیق دفتر اجرائی کارکنان پخش) را مردود اعلام میدارد، چه برای ما تعلیق اعضای شورای اسلامی هیچ معنی و تعبیری نخواهد داشت جز تعلیق یکی از دستاوردها و نهادهای انقلابی و اذعان بشکست در قبال حرکتهای ضانقلابی.

در پی این واکنش شورا

بود که آقای معین فر کوشید با عوامفریبی مسئله را بنفع خود حل کند این بود که کارمندان پخش را در سالن ساختمان پخش جمع کرد و در آنرا با پاسداران انقلاب محاصره کرد و توضیح داد که: "هیچکس حق ندارد مستقیما "دخالتی در امر مدیریت بکند." اما هنوز از صحبت وی چیزی نگذشته بود که بقول خود ایشان "هروقت من میخواستم صحبت کنم وسط صحبت من الله اکبر و صلوات میفرستادند"، و بدین ترتیب نفتگران مبارز مانع از سخنرانی این عضو شورای انقلاب شدند.

واکنش این بار آقای معین فر وابزار سرکوب دولتی‌اش سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب دستگیری یکی از نمایندگان شورا بود که حکم تعلیقش هم صادر شده بود.

شوراهای نفتگران در تهران بمحض اطلاع از دستگیری نماینده شورای پخش، حمایت بیدریغ خود را از نفتگران مبارز پخش و اقدامات قاطع و انقلابی شورای آن طی اطلاعیه‌هایی اعلام نمودند، شورای تعمیرات روغنسازی پالایشگاه تهران و شورای کارکنان دایره ابزار دقیق پالایشگاه تهران در روز بیست و پنج تیر اطلاعیه‌های خود را منتشر کردند و هم‌زمان روزنامه شورای اسلامی پخش آزاد شد و بدین ترتیب نفتگران مبارز تهران بار دیگر قدرت شوراها و توان عظیم کارگران را در همبستگی و اتحادشان دادند

"میثاق وحدت" ...

بقیه از صفحه ۱

گذاری نیست بر سر دو موضوع اکثریت مجلس اعلام موضع نمودند.
۱- پشتیبانی قاطع مجلس نشینان از سرکوب خلق کرد و طرد هرگونه مذاکره. ۲- التیماتوم به نیروهای انقلابی مثل مجاهدین خلق و تحت فشار قراردادن آنها برای موضع گیری در مقابل صحبت‌های اخیر آیت‌الله خمینی.

مجلس شورای اسلامی با این پیش درآمد شروع بکار نموده است و عملکرد آن در همین چند هفته اخیر نشان داده که قادر به حل معضلات و جهت گیری در جهت منافع اقشاری از خلق نیست. البته نباید فراموش کرد موقعی که یکی از عناصر مجلس و یا حکومت در موضع ضعف قرار گیرد آه و فغانش از اختناق بلند میشود. نمونه جالب این موضوع در مصاحبه آیت با روزنامه کیهان در تاریخ سوم تیرماه در مورد مسائل مهم روز- میباشد. آقای آیت چنین وانمود میکند او عابد و زاهد و مسلمان است زیرا اعتقاد دارد که تفتیش عقاید مهم‌ترین مساله روز می‌باشد وی اظهار میکند: جناح‌هایی مربوط به رئیس جمهور به تفتیش عقاید دامن میزنند و این امر در همه جای دنیا مقدمه حکومت پلیسی است. صحبتهائی چنین از زبان این نماینده مجلس که مبتکر حمله به دانشگاهها و مسوول بسیاری از حرکات چماق داران است جای تعجب هم ندارد. تعجب در این است که عده‌ای گوش و چشم خود را ببندند و از این عوامفریبان انتظار اقدامات ضدامپریالیستی داشته باشند.

علاوه بر تائید میثاق وحدت توسط مجلس که سیاستی علیه جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای انقلابی است سیاست دشمنی آشکار با سازمانهای انقلابی چه در اطلاعیه‌های اکثر نمایندگان و چه در جریان تصویب اعتبار نامه‌ها (بجز در موارد محدودی که اعتبارنامه مزدورانی چون خسرو قشقائی، مدنی و امثالهم مطرح میشود) خود را نشان میدهد. هنوز مردم ما فراموش نکرده‌اند که سران دولت جمهوری اسلامی قبلا اعلام کرده بودند کسانی که بقانون اساسی رای نداده باشند در صورتی که بآن گردن نهند میتوانند در صورت انتخاب نماینده مجلس شوند ولی در جریان تصویب اعتبار نامه‌های آقایان محمد محمدی وحسینجانی یکی از اتهامات آنها عضویت و یا عدم موضع گیری در مقابل مجاهدین خلق بوده است. جای تردید نیست که هر دو نفر مذکور نه عضو سازمان مجاهدین خلق بوده و نه طرفدار آنها میباشند اما همینکه آنها در خارج از چارچوب حکومت به انتقاد از آن پرداخته‌اند قابل سرزنش هستند، یکی از اتهامات

بقیه در صفحه ۹

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه‌شنبه ۳۱ تیر ۱۳۵۹
سال دوم شماره ۸۰ صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی
با محاکمه تقی شهرام هدفی جز حمله به نیروهای انقلابی را دنبال نمیکند

محاکمه تقی شهرام که با یک موج تبلیغاتی علیه نیروهای انقلابی آغاز شده است، هدفی جز زمینه سازی های تازه جهت حملات جدید به آزادی های دموکراتیک و دستاوردهای قیام پرشکوه توده های میلیونی را در بر ندارد.

تاکنون هربار که رهبران جمهوری اسلامی با چنین قصدی به میدان آمده اند، شبکه ای وسیع از تبادر کات و زمینه های قبلی را فراهم نموده اند بنابراین بسادگی میتوان دریافت که هدف سران جمهوری اسلامی از محاکمه تقی شهرام چیست؟

محاکمه تقی شهرام توسط دادگاههای جمهوری اسلامی یعنی آغاز تهاجمات جدید علیه نیروهای انقلابی، یعنی براه انداختن یک موج تبلیغاتی علیه نیروهای مترقی و انقلابی.

بی شک، تنها نیروهای انقلابی هستند که صلاحیت محاکمه تقی شهرام و اشتباهاتی را که او مرتکب شده است دارند و نه هیچکس دیگر.

تنها آنهایی که در سالهای سیاه اختناق و دیکتاتوری جان برکف، از آرمانهای زحمتکشان پاسداری نموده اند و با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه به ستیز برخاستند، صلاحیت محاکمه تقی شهرام را دارند.

تنها آنهائی که در سنگر مبارزه بی امان با متم وغارت امپریالیستی تا پای جان پیش رفته اند صلاحیت محاکمه تقی شهرام را دارند نه دادگاههای انقلاب اسلامی.

دادگاههائی که نیروهای انقلابی را در گوشه وکنار کشور باعدام محکوم می‌کنند، و فروشندگان نشریات نیروهای انقلابی را به محاکمه می‌کشند فاقد هرگونه صلاحیتی در این زمینه هستند.

محاکمه تقی شهرام پرده دیگریست از فریبکاری و سوء استفاده سران جمهوری اسلامی از یک مسالهٔ سیاسی علیه مجاهدین خلق و دیگر نیروهای انقلابی و براه انداختن موج تبلیغات ضد کمونیستی برای فریب توده‌ها ...

حجت الاسلام رفسنجانی :
ساواکی ها باید آزادی و رفاه داشته باشند!؟

درشرایطی که عمال ساواک باکودتاچیان همدستی میکنند ودرحالیکه پلیس وپاسداران به‌دکه‌داران یورش میبرند، همزمان باکشف شبکه‌ای ازعمال‌توطئه‌گر، وکودتاچی‌وابسته به امپریالیسم (یکشنبه۲۲تیر)رفسنجانی عضوشورای‌انقلاب ویکی ازسران حزب جمهوری اسلامی، طی سخنانی (درپاسخ به شنوندگان رادیو)گفت:

ساواکی هاهم بایدآسایش ورفاه‌داشته‌باشند، آنها هم، انسان هستند. البته نبایدتوطئه‌بکنند:

براستی هرکس این رئوفت وبزرگواری درحجت‌الاسلام والمسلمین "زو" حامی مستضعفین "رابادستورسرکوب‌وکشتار زحمتکشان‌دکه‌دارودستفروش، کنارهم بگذارد، معنی‌مستضعف را آنطورکه جمهوری اسلامی وشخص آقای رفسنجانی درک میکنند، میفهمد، میفهمدکه چرا "دولت مستضعفان "ساواکی راآزادمیکندوبکارمیگیرد ـ سرمایه‌داران‌فراری را، به‌چپاول فرامیخواند ـ خلقهای ستمکش ومحروم راسرکوب میکند. سازمانهای انقلابی رامورد یورش قرارمیدهد، کارگرانی‌را که حتی برای سیرکردن شکم زن وفرزندخودمجبوربه‌اعتصاب میشوند، ضدانقلابی میخواند، دکه‌داران‌ودستفروشانی‌راکه برای امرارمعاش، مجبوربه‌دکه‌داری ودستفروشی شده‌اند، بساطشان رابرمی‌چیند، حقوق دموکراتیک مردم رابراحتی پایمال میکند، تلاش خودرابرای بازپس گرفتن ومحدود ـ آوردهای قیام افزایش میدهد، وبالاخره پی می‌بردکه چرا کوشش میشودکه فضای خفقان باردیگری رابرمردم تحمیل کنند.

دراین میان حزب جمهوری اسلامی بیش ازهر جریانی سودای چنین وضعیتی رادرسرمیپرورانند، که بی‌شک باید برای تحقق آن برسرساواک جهنمی‌وارتش ضدخلقی آب تطهیر بریزدوجنایتکاران وابسته بامپریالیسم رانبرئه‌نماید تابتواندباسرکوب نیروهای انقلابی وبخصوص کمونیستها مانعی جدی راازسرراه‌خودبردارد.

سخنان "حجت‌الاسلام‌رفسنجانی، دربعدازظهریکشنبه۲۲ تیر گوشه کوچکی ازماهیت ضدمردمی این حزب وسیاست های بغایت ارتجاعی آن رانشان داد. رفسنجانی علنا" از ساواکیها دفاع کردوبرسرارتش ضدخلقی آب تطهیر فرو ریخت.

رفسنجانی این عضوبرجسته حزب جمهوری اسلامی و عنصری که باتمام وجود، سیاستهای حزب راتبلیغ وترویج مینماید، صبح همانروز، بهنگامیکه درتوضیح سیاستهای‌حزب جمهوری اسلامی به عوامفریبی مشغول بود، باکمال وقاحت‌و بیشرمی می‌گفت: "چریکهای فدائی خلق بنحواحمقانه‌ای گفته‌اند، اگرمادرزمان شاه با ۸۰۰۰۰ ساواکی مواجه‌بودیم، امروزبا۳۵میلیون ساواکی مواجهیم".

به‌اعتقادما اگرمطابق محاسبات‌جناب "حجت‌الاسلام "آگاهی مردم ماتااین اندازه پائین باشدکه چنین‌خزعبلاتی راباور کنند، دیگرفدائی خلق آن نیروئی نیست که حزب جمهوری اسلامی ازآن وحشت داشته باشد.

مامعتقدیم که حجت‌الاسلام وسایرزعمای حزب جمهوری اسلامی، درمحاسباتشان دچاراشتباه‌اساسی شده‌اندوشکی نداریم که اعتمادناآگاهانه‌توده‌هابه‌نیروهای سازشکار و سرکوبگربراثرکارصبورانه وآگاهگرانه نیروهای‌انقلابی، دیری نمیپایدکه جای خودرادرانزجاروتنفری میسپاردکه دیگرهر قدر هم که بخواهیم فشاراعمال کنیم: گاردضد اغتشاش درست کنیم، ساواک رابازسازی کنیم، تلفن‌هاراکنترل‌کنیم، این وآن رادستگیرکنیم، جو ارعاب و ترور ایجادکنیم، دیگر فایده‌ای ندارد وآن میشودکه تاریخ بارها نشان‌داده‌است. البته مابخوبی میدانیم شکافی که دراین میان وجود دارد، بایدباخون یاخاکسترکمونیستها پرشود. آری آقای "حجت الاسلام"، فراموش نکنیم که توده‌های مردم، برخلاف موعظه‌هایتان که عمری گفته‌اید "درآن دنیابه‌حساب ها رسیدگی میشود" ترجیح میدهندکه‌دراین دنیابه حساب ها (وبخصوص به توطئه‌گریها وعوامفریبی ها) رسیدگی کنند!

"مستشار دیوانعالی کشورشاهنشاهی" از مقامات عالی جمهوری اسلامی است ؟!

این برای ونیز ارد ست که نشان میدهیم ومیگوئیم که عمال وابسته به‌رژیم شاه‌و سرسپردگان به‌امپریالیسم همچنان در عالیترین مقامات دولتی "جمهوری‌اسلامی "جای‌دارند وپستهای کلیدی‌ومهم، ازقبیل فرماندهی نیروهای‌ارتش ضد خلقی‌ومقامات عالی‌مملکتی، دردست آنهاست.

رژیم جمهوری‌اسلامی که از ابتدا، قصدش حفظ سیستم وبازسازی آن بود، مهره‌های رژیم شاه‌را جهت‌راه‌اندازی سیستم سرمایه‌داری وابسته (چه‌درادارات وچه‌درموسسات خصوصی‌سرمایه‌داری) به‌حال خودگذاشت وآشکاروپنهان بکارشان‌گرفت.

سندی که‌ملاحظه میکنید مربوط به "یداله‌قانع" "مستشار دیوانعالی "کشورشاهنشاهی" است که "صلاحیت "ایشان هم "به‌صحه‌اعلیحضرت "رسیده است وهم‌مورد تائید "مقامات مربوطه" قرارگرفته‌است.

یداله‌قانع هم‌امروزدرمقام معاونت‌اداری‌ومالی‌وزارت ـ دادگستری جمهوری‌اسلامی است ولابدازافرادیست که‌بر هیئت‌های پاکساری‌جمهوری اسلامی‌وتعیین و تشخیص "طاغوت "نظارت‌دارد!

ماچنین‌واقعیاتی‌رابیانگر این میدانیم که‌گرچه‌رژیم "شاه" سرنگون‌شداماقدرت‌سیاسی از دست‌بخشی‌ازسرمایه‌داران به دست بخشی‌دیگریعنی‌عمدتا" بورژوازی متوسط افتادواین مسئله‌را‌مادرسیاستهاوخط مشی سازشکارانه‌ای‌که‌هیئت‌حاکمه‌در پیش گرفت‌بخوبی‌می‌بینیم.

این‌واقعیات بیانگراین‌است که‌علاوه‌برفردوستهاوقره‌باغی هاوعمال‌ساواک‌که‌درپشت‌پرده به‌راهنمائی‌جمهوری‌اسلامی در سرکوب‌خلق‌هاونیروهای انقلابی مشغولند)، بسیاری از سرسپردگان‌رژیم شاه‌وهواداران سلطه‌امپریالیسم، رسما" در مقامات‌عالی‌دولت۱۰اشتغال دارندواکراه، وشاهدآنیم‌که امپریالیسم دست به‌یکسری مانورها میزند، اگرمی‌بینیم‌که هلیکوپترهای‌آمریکائی و هواپیماهای‌غول‌پیکرمیتوانند تاقلب ایران‌پیش‌روی‌کنندودر همه‌جادست‌امپریالیسم‌را می‌بینیم اینهاهمه‌گواه‌آنست‌که عمال‌وابسته‌به‌امپریالیسم و ایادی‌مردورش در عالیترین‌و حساس‌ترین‌ارگانهای‌دولت جمهوری‌نفوذدارندومادام که قاطع‌وانقلابی‌تمامی‌این‌عمال تصفیه‌ونابودنشوند، مادام که پایگاه‌اجتماعی‌امپریالیسم درهم‌کوبیده‌نشود، سخن از "استقلال "حرف‌پوچی‌بیش نیست وهرگز برخوردهای سطحی وشعارو‌جاروجنجال؛ ایران‌را‌ازسلطه‌امپریالیستها رهانخواهدساخت.

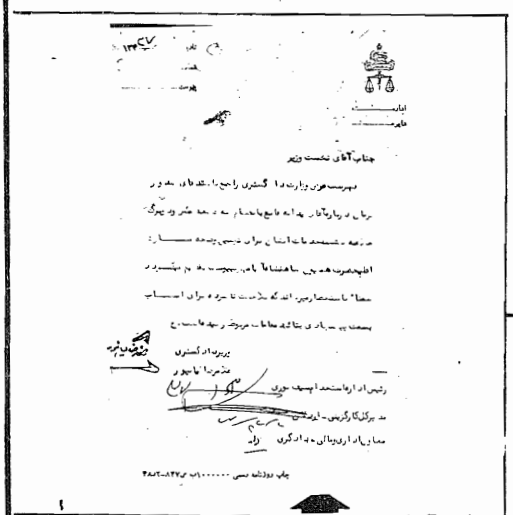

جناب آقای نخست وزیر

فهرست عرض وزارت دادگستری راجع به استدعای صدورفرمان درباره‌آقای یدالله‌قانع با‌نضمام‌سه قطعه عکس ودوبرگ خلاصه پیشینه خدمات ایشان برای توشیح‌وصحه مبارکا علیحضرت همایون شاهنشاه‌آریا مهربپیوست تقدیم میگردد ضمنا با ستحضار میرساندکه صلاحیت نامبرده برای انتصاب بسمت پیشنهادی بتائیدمقامات مربوط رسیده‌است. ح

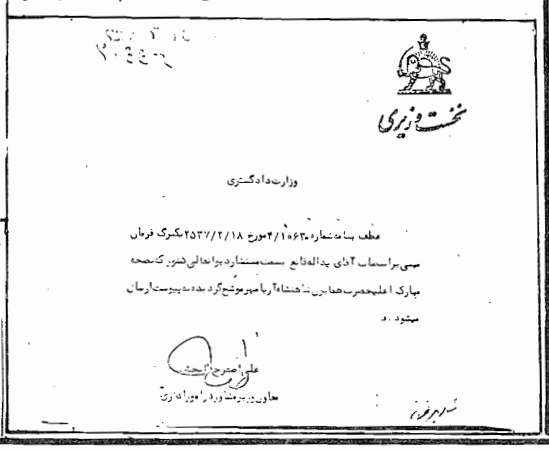

نخست وزیری

وزارت دادگستری

مطلب بسامه شماره ۴/۱۰۶۳۰ مورخ ۲۵۳۷/۲/۱۸ بکمرگ فرمان مبنی براعطای آقای یداله‌قانع سمت مستشاردیوانعالی‌کشور تقدیم میشود. مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر موشح گردیده به پیوست ارسال میشود.

علی اصغر حاج سید جوادی

معاون وزیر دادگستری و رئیس اداری

"کمیته مرکزی" بازهم به شیوه‌های نارفیقانه و فرصت طلبانه متوسل میشود

در شماره ۶۷ ارگان سراسری کمیته مرکزی مطلبی تحت عنوان "ازاین پس نشریات، مکاتبات و نظرات ....." نوشته است که یکبار دیگر رفتار غیررفیقانه و فرصت طلبانه کمیته مرکزی را نشان میدهد.

آنها که در حیطه تئوریک به ورشکستگی کامل رسیده اند و با گذشت هر روز ماهیت اپورتونیستی نظراتشان برهمه آشکارمی‌شود، بازهم به شیوه های نارفیقانه تهمت، افتراء، و اوراق جلوه دادن حقایق کمر بسته اند. از جمله مطرح کرده اند که گویا ما حاضر نشدیم "برسر استفاده از علائم و نام سازمان و نشریات آن با اکثریت توافق "نمائیم. این گفتار یک دروغ محض است. واقعیت این است که ما هیچگاه یک چنین پیشنهادی را از آنها دریافت نکرده ایم، بلکه بالعکس ما چندین بار از آنها خواستیم که برای رسیدگی به مسائل مذکور و مسئله امکانات سازمان جلسه ای تشکیل شود، تا شاید در این زمینه توافقی صورت پذیرد. اما آنها تاکنون همیشه از پاسخ باین مسئله طفره رفته اند و تمامی امکانات، مالی، تسلیحاتی و ... متعلق به سازمان را با خود برده اند حتی اسناد سازمانی و آثار متعلق به جنبش را نیز در اختیار خود قرار دادند. مکررا هواداران از ما خواسته اند که اسناد دیپلوم یعنی اسناد مربوط به اختلافات "اقلیت" و "اکثریت" را که اسناد متعلق به جنبش کمونیستی است منتشر کنیم، تا همه مردم از چگونگی مسائل مورد مشاجره و اختلاف آگاه گردند، اما کمیته مرکزی که موقعیت خود را در خطر دیده است از دادن این اسناد نیز خودداری کرده است. تمامی فاکت های موجود نشان میدهد که کمیته مرکزی بمنظور سرپوش گذاردن بر رفتار غیر اصولی خود با زهم به شیوه های برخورد غیر اصولی متوسل میشود.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر